

ورقه سفید و آقاییکه مخالفند ورقه کبود خواهند داد و در این موقع شروع باخذ آراء گردیده آقای حاج میرزا رضاخان صدق‌آوران را بشماره ذیل احصا نمودند ورقه سفید ۳ ورقه آبی ۲۲

نایب رئیس - عده حضار ۶۵ نفر است بلاتکلیف ماند دستور جلسه سه شنبه ۲۳ شوال - بقیه شور قانون انتخابات راپورت کمیسیون فواید عامه راجع بجزیره هرمز آقای حاج شیخعلی دردستور فرمایشی دارید *

حاج شیخعلی - رائی که در خصوص ازباب لطف‌الله گرفته شد اگر قابل توجه بود بموجب نظامنامه داخلی باید بکمیسیون ارجاع نشود اگر راجع باعتبار بود که باید با ورقه‌های گرفته شود. **نایب رئیس** - خوب است مطالب را درست استماع فرمائید بده اعتراض کنید در قابل توجه بودن آن بود که رای گرفته قابل توجه شد و رجوع شد بکمیسیون *

ادیب‌التجار - یکی اینکه دو ماده معین‌در جزء دستور بوده و او مانده دیگر در باب اوراق مضره که بامضاء ۴۲ نفر از نمایندگان محترم پیشنهاد شده که زودتر بمجلس بفرستند که آن‌ها را نمایندگان بشناسند اگر چه میدانم که از جانب رئیس بوزراء اخعار شده است ولی بیکی دو مرتبه قناعت نکنند و مجدداً تأکید کنند زودتر آن اوراق را بفرستند چون جهة دارده اینرا تذکار میکنم در بعضی از

روزنامه‌ها بعضی چیزها دیده شده و نسبت بعضی چیزها شنیده میشود لذا میخواهم صاحبان اوراق مضره را که شنیده میشود نمایندگان محترم بشناسند و بملت برسانند و دیگر درباب طرح قانونی منع احتکار است استحصا کرده بودم که جزو دستور بگذارند و وعده هم فرموده بودند که اخطار بکنند بررئیس کمیسیون داخله که زودتر آنرا حاضر بکنند و جزء دستور شود شاید فراموش کرده‌اند این مطلب مهم را استصحا میکنم که امشب اکیداً امر شود که آن قانون را زودتر بدهند و جزء دستور گذاشته شود چون این اغتشاشات امر نان اسباب پریشانی نمایندگان محترم است بلکه يك اندازه این قانون جلو گیری نماید و اسباب آسایش عامه بشود.

نایب رئیس - در باب آن دو ماده که فرمودید در جزء دستور امروز نبود بکمیسیون رفته است درباب اوراق مضره دیگر آنها هم تقاضا کرده‌اند البته تأکید میشود درباب طرح قانونی راجع بمنع احتکار هم عرض کردم که وزیر داخله خواست است که نظریات مستشار را در آن اخذ نماید و بفرستد عده هم که کانی نیست برای مذاکره مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم گردید *

جلسه ۲۰۸

صورت مشروح جلسه روز ۳شنبه

۲۳ شوال ۱۳۳۸

رئیس (آقای مؤتمن‌الملک) سه ساعت قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نموده و پس از يك ربع جلسه رسماً افتتاح شد. آقای آقا میرزا رضا خان نائینی صورت جلسه قبل را قرائت کرد (اسامی فائین جلسه قبل بترتیب ذیل خوانده شد) *

فائین بی اجازه آقایان آقا سید محمد باقر ادیب حسینعلیخان - دهخدا - دکتر اسمعیل خان - حاج امام جمعه - فائین با اجازه - آقایان دکتر لطفان منتصر السلطان - آقا سیدجلیل مساوات - مشتریودی آقایانیکه از وقت مقرر تخلف کردند شبانی دو ساعت و نیم - لسان الحکماء - معزز الملک - میرزا ابراهیم قمی هریکسی و بیخ دقیقه

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ **شبانی** - بنده دو نفر و کبیل کاشان را تقسیم نکرده بودم که یکی برای کاشان و یکی برای نظنز و جوشقان عرض کردم نظنز و حوالی آن که چندین هزار نفر جمعیت دارد بکلی بساین ترتیب محروم میشوند .

رئیس - همینطور اصلاح میشود. **حاج عز الممالک** - در باب عده نمایندگان عربستان بنده و آنای بهجت هر دو يك پیشنهاد متحدالمضمون کرده بودیم که مقصود پنج فقره بوده و قابل توجه نشد آنجا نوشته است اولی قابل توجه شد لازم بود که این فقره اصلاح شود در باب حوزه بندی هم آقای بهجت اصلاحی پیشنهاد کردند بکمیسیون رجوع شد .

رئیس - مقصود این است که اندر ای در یکی از آنها شده و چون در دیگری اخذ رای نشده اینجه نمیتوانند بنویسند .

ادیب‌التجار - حضرتعالی این دو ماده که بامضای ۴۲ نفر نماینده بوده خودتان مقرر فرمودید جزء دستور شود جزء دستورها فر ر دادید و آقای نایب رئیس اطلاع نداشتند .

رئیس - این راجع بدستور است اگر راجع بصورت مجلس مطلبی دارید اظهار کنید .

میرزا رضی قلیخان - این مسئله که آقای شبانی اظهار کردند گویا اشتباه دند بجهت اینکه از طرف آقای وحیدالملک پیشنهادی شد که این دو تجربه شود یعنی این دو نماینده که میدهند بکاشان و نظنز و جوشقان این دو تقسیم میشود یکی بکاشان و توابع داده شود و یکی بنظنز و جوشقان مقصود آقای وحید الملک تجزیه بوده و استدلال کردند باینکه اهالی نظنز و جوشقان محروم خواهند شد از انتخاب و اگر مقصودشان غیر از این بوده است همینطور مذاکره کردند آقای شبانی هم همینطور اظهار کردند و در صورت مجلس هم همینطور نوشته شده است .

رئیس - اگر بنا شود در صورت مجلس شخصی اعتراض بکند آن وقت چند نفر دیگر بگویند آن اعتراض صحیح نیست بقلانجهت این مثل اینستکه ما در صورت مجلس هم مذاکره میکنیم در صورتی که هر اعتراضی که میکنیم ما همان طور اصلاح میکنیم حالاملاحظه دیگری در صورت مجلس هست ؟

بهجت - بنده راجع به نظر پیشنهادی کرده بودم اسم برده نشده *

رئیس - اصلاح میشود صورت مجلس با این اصلاحات تصویب شد دستور قانون انتخابات حوزه کردستان قرائت میشود (باین ترتیب قرائت شد) کردستان عده نمایندگان - ۴ نفر و نقاط جزء هر حوزه انتخابیه (

سنندج - تلیق - اسفندآباد - چهاردوالی - حسین‌آباد - قرانوره - ساران - هریاتو - لاترزان - کوهی - میروان - ادرامان - تختی - راداو - گاورد - سورمور - یلوار - سامیر آباد - جوانرود - ادرامان مهملی - روانسر - شادی آباد - عده نمایندگان حوزه ۳ نفر مرکز انتخابیه سنندج *

رئیس - در عده مخالفی هست ؟

دکتر حاج رضا خان - بنده در عده عرضی ندار اگر اجازه فرمائید در خصوص سه نفر از برای سنندج عرض دارم عرض بکنم *

رئیس - فرمائید *

حاج دکتر رضاخان - هر چند بنده هر چه توضیح خواستم مخبر جوابی بنده فرمودند. باین جهت باز میکنم هریاض خودپرا شاید جوابی فرمایند که قانع بشوم اینجا مینویسد سنندج بعد یست محل را مینویسد میخواستم عرض کنم این یست محل چرا تابع سنندج باید باشد آیا ممکن نیست اولاً این یست محل را که محل مینویسند و قسمت کنند و بهر يك يك و ککل بدهند و این خیلی آسان تر خواهد بود که برای انتخابات لزوم اسم یکی را بنویسند از اینکه اسم دو نفر را بنویسند در جائیکه بشود شمه انجمن نظارت تشکیل شود البته سهل تر خواهد بود از برای لزوم و از برای سرعت جریان امور انتخابات انتخاب بکنفران سه نفر و آنوقت سنندج چون شهریت دارد البته هر سه نماینده راهالی شهر خواهند پردو يك زحمت یقائده کشیده اند این یست محل *

ذکاءالملک - در خصوص محروم شدن این

ها بنده عرض نمیکنم ولی درباب آنکه اینجا مبینند خیلی اسامی نوشته شده است نباید تصور میکنند که يك چیز فوق العاده برای کردستان قرار داده شده است و تفاوتی گذاشته شده است در بین کردستان و سایر نقاط این تفاوتی که گذاشته شده است بواسطه این بود که آقای عز‌الملک نماینده کردستان بودند که اسامی تمام محالات برده شد باینجهت تمام اسم برده شده است و این در باره تمام حوره های انتخابیه ممکن بود این اندازه اسامی بر ایشان نوشته شده باشد و این يك امر فوق العاده نیست بعلاوه چون سنندج که حوزه انتخابیه شده بود یکی حوه سقز و یکی حوزه سنندج باینجهت اسامی این محالات برده شد تا اینکه تمایز باشند از همدیگر که معلوم باشد که آ بلو کاتی که جزء سنندج باشند کدام هستند و آنهائیکه جزء سقز هستند کدام هستند اینستکه ما هم تقسیم داشتیم که اسامی بلو کات را صریحاً بنویسیم که اسباب اشکالی پیدا نشود چون اگر اسم یکی از این بلو کاتی که برای سنندج نوشتیم اگر ننویسیم معلوم نبود که باید باسنندج رای بدهند یا باسقز

افتخار الوعظین - حق این است که از

روزی که این ترتیب انتخاب جمعی برآمده است بمجلس بنده هر چه فکر میکنم که هلت داخلی این را بفهم هنوز نتوانسته ام بفهمم اگر نظرهت دولت و مجلس بر این است که انتخابات زود بعمل بیاید و مجلس شورای ملی زود افتتاح یابد یا بلاحظه اینکه شاید دوشهرها بیشتر مردمانیکه بصیرند درامورات ملکیتی و مقتضیات حالیه ملکیت آنها زودتر انتخاب میشوند و آن‌ها باید انتخاب شوند اگر مقصودشان

ونظرشان باین است خوبست انتخاب را منحصر کنند بشهرها متلاسمی شهرها را ببرند و آن وقت انتخابات را بآنها بدهند دیگر اسامی قراء و قصبات را ببرند که آنها بی جهت زحمت نکشند و برای تعرفه گرفتن و انتخاب کردن بیجهت يك فرسخ دو فرسخ بیایند و بروند و اگر نظر تان باینستکه خیر انتخابات بعمل بیاید و نماینده نماینده عموم ملت باشد اهم از اینکه زودتر بعمل میآید یا دیرتر اعم از اینکه از مردمان بصیر باشند یا بصیر اگر عرضان این است و میخواهم بعضی بلوکات و قصبات حق بههم دیگر انتخاب جمعی بهچوجه راه ندارد خوبست دوسه جا را اسم ببرند و بعد بگویند حوزه انتخابیه کردستان حق انتخاب ۴ وکیل دارد بعد این ۴ نفر را بچهار جا قسمت نمایند و ۴ انجمن جزء تشکیل بدهند و بدسده چهار محال را معین می کنند و مستقیماً بهریک از آن ها حق انتخاب يك وکیل بدهند بگویند این نقاط متصل یکدیگر شود فلانجا و فلانجا و باهم شرکت در انتخاب نمایند یکنفر را وکیل کنند بفرستند بمجلس والا این که بیست محل را جمع بکنند بنده می فهمم نکته آن چیست

رئیس - دیگر مغالطی هست (اظهار مغالطی نشد)

رئیس - مرکز حوزه انتخابیه سنندج مغالطی هست

دکتر سعیدالاطباء به اینجامذاکرات خیلی شده است حال بنده هر چه مرض کنم زائد است لکن باز مرض میکنم خیلی جای تعجب است که بیست نقطه باید مطیع يك نقطه باشند و بنده تصور نمیکم که شهر سنندج بیش از صد هزار جمعیت داشته باشد و این نقاطی که اینجا نوشته شده لاقلاً باید دارای دویست هزار نفر باشد که آنوقت دونفر وکیل انتخاب کنند بنده نمیدانم این فلسفه حکومت ملی چطور است که هر روز يك شکلی پدید میآید بکروز میرسیم به تیریز می بینیم که رد می کنند و تمام کلاهما میدهند به تیریز اما بکشان کمیرسیم می بینیم دو نفر میدهند بکشان آن وقت این دو نفر را میگویند از برای اینکه محرومیت نباشد خوبست تجزیه کرد بدو حوزه تا اینکه بعضی که نمیتوانند رای خودشان را بدهند در صورتیکه يك حوزه انتخابیه باشد محروم نشوند اینجا کمیرسیم بازمی بینیم ساکنند و مغالطی نیست و دویست هزار نفر را میخواهند مطیع صد هزار نفر بکنند و بنده از اول مخالف انتخاب مجلس بودم و تصور میکنم خوب است قدری رعایت حال و حقوق رعایا را بکنند هیچ لازم نداریم که و کلائیکه اینجا میآیند دیلمه باشند و اگر يك نفر رعیت بیچاره اینجا بیاید با پای برهنه و صعبت بکند که مطیع باشد از حال رعیت خیلی بهتر است از اشخاصیکه هیچ ملاحظه رعیت را ندارند .

حاج عز الممالک - باعتقاد بنده در این مسائل خیلی غلو میشود که میگویند همینکه اسم بردند از نقاط جزء و انتخاب مجلس شد حکومت ملی متزلزل میشود و مخصوصاً اگر اطلاع داشتند ملتفت میشدند که قیر از این هیچ ممکن نبود مثلاً بفرمایند که اکثریت سنندج اکثریت سایر نقاط را میرسد بنده اینجا تصور میکنم که اگر تقسیم هم میکردند و شش نقطه را قرضاً يك حوزه انتخابیه فرض میکردند

و يك نقطه را مرکز میکردند باز ممکن بود آن نقطه اکثریت را ببرد و باز سایر نقاط محروم میشدند یعنی شش نقطه دیگر محروم میشدند پس اینکه چند نقطه را ملحق کرده اند يك نقطه و منضم بهم کرده اند اسباب محرومیت سایر نقاط نمیشود اگر همان طوری که آقای سعیدالاطباء عقیده دارند نمیکردند باز هم جلوگیری از آن محرومیت نمیشد پس مرکز حوزه همان سنندج بود بهتر است و بچوقت حکومت ملی متزلزل نخواهد شد .

رئیس - مذاکرات در این خصوص کافی است سقزو بانه .

سقزو به خور خور و تیلکوه عده نمایندگان یکنفر مرکز انتخابیه - سقزو

رئیس - اصلاحی آقای میرزا مرضی قلیخان پیشنهاد کردند قرائت میشود (بعبوات ذیل قرائت شد .)

بنده پیشنهاد میکنم که عده نمایندگان کردستان ۳ نفر معین شود سقزو بانه جزء کردستان باشد .

مر ترضی قلیخان - چون بنای مذاکرات در این بود که تقابل عده نمایندگان بشود سقزو بانه جزء کردستان باشد .

مر ترضی قلیخان - چون بنای مذاکرات در این بود که تقابل عده نمایندگان بشود عده زیاد بشود از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که ۳ نفر بیشتر بکردستان داده نشود و با اینکه بنده مخالف انتخاب جمعی بودم مذاکرات در اینجا گفتم که این ۳ مرکز انتخابشان سنندج باشد بواسطه این بود که اینجاها بیکه توابع کردستان نوشته شده است اینها توابع نیست هر کدام اینها دمی هستند چون در جاهائیکه بلوکات را جزء میکنیم هر یکی از آنها صد یا چهل صد پنجاه یا چهل الی دویست یا چهل دهات است اما اینجا اینها که اسم نبرده شده است غالباً دهات است حسین آباد و اسفند آباد اینهاست و تمام اینها پنجاه شصت ده نیست که بتوانیم آنها را جزء بلوکات بشماریم و هر کدام آنها یک وکیل بدیم و تمام کردستان بنظر بنده بیش از سیصد هزار جمعیت نخواهد داشت و باینجهت بنده تصور میکنم که اگر ۳ نفر بآنجا بدیم کفایت میکند و سقزو بانه اگر جزء کردستان باشد بهتر است تا اینکه جدا باشد .

عز المملک - بنده حقیقتاً فوق العاده از این فرمایشات آقای میرزا ترضی قلیخان متعجب شده . بواسطه اینکه يك چیزی بدون دلیل اول فرمودند من متقدم بتقبل عده نمایندگان در صورتیکه معتقد به تقابل عده نمایندگان باشند بایستی در ماده اصفهان این را بفرمایند که اصفهان و کرمانشاهان و یزد اینها در دوره سابق ۳ نفر وکیل بیشتر نداشته و همه آنها بیشتر شد اصفهان پنج نفر شد و ایشان میفرمودند که هفت نفر باصفهان داده شود حالا میفرمایند که نظرم به تقابل عده است و بنده در کمیسیون در ماده اصفهان خیلی جد کردم هم در حضور خودشان هم در غیابشان و گفتم

رئیس - راجع باصفهان مذاکره نمیشود راجع بکردستان است

عز المملک - چون هر دو را از حیث جمعیت و از سایر جهات بنده نزدیک بهم میدانم اینستکه

از اصفهان اسم بردم غرض اینستکه بهر جهت بنده ۴ نفر را برای کردستان زیاد نمیدانم و کمیسیون هم تصدیق کرده است و ۴ نفر را معین کرده است و بنده هم جزء اعضای کمیسیون بودم توضیح هم دادم که هیئت دوات هم اعضای کمیسیون قبول کردند چون آقای میرزا مرضی قلیخان این پیشنهاد را کردند و بنده مبتدئاً اسباب شبهه بشود و بعضی رای ندهند باینجهت این عرایض را کردم حالا ایشان که این پیشنهاد را کرده اند شاید بیش از بنده از کردستان اطلاع دارند در این صورت خوب است توضیح بدهند تا بنده هم قانع بشوم بنده اگر اسم بعضی از این نقاط را ببرم و سؤال کنم که در کجای کردستان واقع شده در شمال یا در جنوب شاید محل بر جسات شود باینجهت عرض کردم لکن عرض میکنم حسین آباد را که فرمودند يك ده است این پنجاه پارچه است حالا این بیست نقطه که اینجا نوشته شده است تمام آنها را عرض نمیکم همینقدر عرض میکنم دو محل از این نقاط را بفرمایند که چند پارچه وعده نفوسش را هم کار ندارم اگر همچو توضیحی بفرمایید بنده متقاعد شوم والا بدون هیچ دلیل پیشنهاد بفرمایند که کردستان ۳ نفر نماینده داشته باشد بهچوجه متقاعد نخواهم شد و منطقی هم نیست .

رئیس - آقای معبر قبول دارند پیشنهاد آقای مرضی قلیخان را

ذکاء المملک - نمیتوانم قبول کنم -

رئیس - رای میگیریم باین اصلاح آقای مرضی قلیخان که نمایندگان کردستان را ۳ نفر پیشنهاد کرده اند آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم بحوزه انتخابیه کردستان موافق پیشنهاد کمیسیون آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد کرمانشاهان (بترتیب ذیل قرائت شد) کرمانشاه عده نمایندگان ۴ نفر (نقاط جزء هر حوزه انتخابیه) کرمانشاه - ماهبدشت - قصر - وهاب - کرند - کلههر - سنجابی - کوردان - سنقر - کلبائی - چمچال - بیستون - صحنه - وینور - هرسین - کشکاور - مرکز حوزه انتخابیه کرمانشاه -

رئیس - مغالطی هست ؟

دکتر حاج رضاخان - بنده الی آخر این قانون راجع با انتخابات جمعی توضیح خواهم خواست که شاید قانع بشوم و توضیحائیکه آقای معبر دادند بهچوجه جواب کافی نبود و من خیلی تعجب میکنم که کرمانشاه تقریباً تماماً يك حوزه شد و ۴ نفر وکیل میدهد و تمام اطراف او يك حوزه شده بنده نمیدانم چطور در طهران خوار و رامین را خواستیم يك حوزه بکنیم شد اما کنگاور نمیشود برای چه اما در انتخابات جمعی عرض میکنم در صورتیکه یکنفر را بنا شود بنویسند خیلی بهتر است انتخابات انجام پذیر خواهد شد از ۴ نفر خیلی بهتر میتواند انتخاب بکنند در صورتیکه حوزه های متعدده قرار بدیم و این که میفرمایند اگر چهار نفر را يك مرتبه بنویسند زودتر انجام

خواهد یافت امر انتخابات بنده حقیقه این اولیه را نمی فهمم و دیگر آنکه در مذاکره راجع بکردستان گفته شد باین ترتیب به پیوسته ترزلزل سلطنت ملی وارد نیاید بنده درباره کرمانشاه عرض میکنم که باین ترتیب ترزلزل سلطنت ملی وارد میآید بجهت اینکه سلطنت ملی کدام است سلطنت ملی اینستکه اکثریت ملت حکومت کند نه اقلیت وقتیکه نباشد حوزه بزرگ وقایع شهر شد آنوقت تمام اهالی اطراف از حق خودشان محروم شدند بجهت اینکه تمام چهار وکیل وکیل و برادران و از تمام مملکت ده هزار نفر اکثریت را برده اند و تمام مردم تحقیق شده اند آنوقت اقلیت کار میکنند و حال آنکه اکثریت ملت در سلطنت ملی باید کار بکنند و اگر نباشد اقلیت کده هزار نفر است کار بکنند آنوقت فرق نمیکند بنده هزار نفر و یک نفر که سلطنت مستردا تشکیل میدهد .

حاج وکیل الرعایا - ایراداتی که فرمودند فقط در انتخاب جمعی است اینکه جواب داده نشد گمان میکنم حالا همین یک جواب داده شود رأی گرفته شود مقصود از تشکیل مجلس شورای ملی و انتخابات برای اینستکه مردم در راه اصلاح یک نعمتی برسند اگر ما خودمان یک قدری دقیق بشویم بخوبی میتوانیم تصدیق بکنیم که بعضی از این نقاط که میگویند حق مستقل بدیم که یک حوزه انتخابیه داشته باشند آنوقت بخوبی میتوانیم تصدیق بکنیم تمام اهالی نقاط مملکت انس با انتخابات گرفته اند و نمیتوانند بطوری که لازم است اسباب انتخابات را فراهم کنند که آنقدری که لازم است از حق آنها محفوظ باشد و دلایل برای این را خیلی زیاد است که اگر از تاریخ اول عالم بگیریم می بینید که همه کس نمیتواند که از ایرا بکند همیشه یک جماعتی بهتر اینکار را می توانسته اند بکنند تا یک نفر و حاله اگر اینکه ما بخواهیم آن خیری را که در شهر ها مردم توانسته اند تحقیق برسانند اطلاع صحیحی پیدا کرده اند بخواهیم بگوئیم که آن قطعات دور دست هم این اندازه اطلاع پیدا کرده اند گمان میکنم اگر یک چنین چیزی را بگوئیم موافق حقیقت نباشد و بنده گمان میکنم تا مدت ها انتخابات جمعی باشد و ممکن است این ترتیب تا آخر دوره مشروطیت قائده خودش را به بخشد و این از تقریر بنده خارج است لکن در اینجا کمی گویند که صحنه را از کرمانشاه جدا بکنند و یک وکیل بآنجا بدهند اگر بنده این حرف را بزنم گمان میکنم آن آقایانیکه صحنه را دیده اند به بنده بگویند که چنین رأی بدیم که آنها از بین خودشان بایست یا چهل رأی بکنند و انتخابات کنند و بفرستند که حکومت ملی را اداره کنند و گمان میکنم که کار وکیل فقط اطلاعات معلی نیست باید بلیک محلی راه بدهند آنوقت از نظر دیگر هم میگوئیم که حکومت ملی را اکثریت ملت تشکیل میکند وقتی که دانستیم که این اکثریت از مجلس شناخته میشود و معلوم شد که آن اکثریت بآن سمت را باید یک پنجاه نفری بکلیه خودشان اداره بکنند آنوقت نمیتوانیم انتخاب جمعی را باین زودی از خونمان دور کنیم .

هفترو دی - بنده گمان میکنم که آقایانیکه اشکال میکنند با انتخاب جمعی و بعضی آقایان چنین میفهمند که آنها اشکال با انتخاب جمعی دارند اینطور

نست بواسطه اینکه اگر این باشد در طهران هم باید بگویند انتخاب جمعی نباید باشد بنده نظر اینطور می آید که مثلا تریز هم باید انتخاب جمعی بکنند و اینطور نباشد که هر محله اش جدا جدا انتخاب بکنند این صحیح نیست بلکه بنده عقیده ام اینست و انتخاب عمومی بلکه شروط را آن میدانم که تمام مملکت یک مرکز داشته باشد سلطنت ملی را بنده اینطور میدانم که تمام مملکت یک مرکز داشته باشد نه اینکه این شهر علیحده یک وکیل داشته باشد آن محال علیحده خیر اینطور خوب نیست خوب است یک مرکز داشته باشد تمام مملکت و تمام آراء اهالی مملکت بآن یک مرکز بیاید این سلطنت ملی است ولی تمجیب میکنم از آنها که بجهت انتخاب جمعی سلطنت ملی را ترزلزل میدانند بواسطه محروم شدن بعضی و اشکال که میکنند آقایان بعضی جوابها میدهند که انسان متعجب میماند مثلا آقای دکتر حاج رضا خان که اشکال میکنند نمیگویند انتخاب جمعی مطلقا غلط است بلکه مثل بنده شاید بفرمایند که همه مملکت باید تنها یک مرکز داشته باشد و تمام مردم صدویست نفر را بنویسند بنده باید در انتخاب نماینده اگر عده نمایندگان صد و بیست نفر بنویسیم آنها هم که در کرمانشاهان هستند صدویست نفر را بنویسند سلطنت ملی اینطور است و اصل انتخاب صحیح ملی اینچور است بنده عقیده ام این است که اینرا هیچکس اختلاف نداشته باشد و کسی مخالف نباشد ولی اینکه اگر امروز در مملکت یک مرکز قرار بدیم و یک حوزه قرار بدیم که تمام آراء آنجا جمع بشود این امروز ممکن نیست این است که این را قرار ندهیم والا آنرا قرار می دادیم و ایندلیل بهمه جا وارد میآید بجهت این که چطور در یک مملکت ممکن نشد مراکز را یکی بکنیم همینطور در یک حوزه انتخابیه یعنی در یک ایالت یا ولایت اگر ممکن شد که یک حوزه باشد و تمام عده نمایندگان آنجا را تمام اهالی آنجا رأی بدهند اگر اینهم ممکن نشد آنوقت همچنانکه آن قسم اولی ممکن میشود و از راه مجبوری متفرق کردیم این را هم متفرق میکنیم چطور که در تمام مملکت یک مرکز ممکن نیست و باید متفرق کرد مراکز را هم چنین در یک ایالت یا ولایت یا در یک محال هم همینطور است والا اگر ممکن نشد عاده والا عقلا ممکن است یک نفر از آخر خاک گلیایکان یکدانه مسافت بکند بیاید فرضا طهران را بشیرا بدهد مراجعت بکند عقلا ممکن است اجازه عقلا عاده گفتم ممکن نباشد عاده که ممکن نشد عاده و میگویند که این ممکن نیست محال است وقتیکه این ممکن نشد عاده آنوقت یک مرکز قرار دادن واقعا این محروم نکردن است و کسی هم هر چه برخلاف این بگوید بنده نمیتوانم قبول کنم مثلا طهران را اشکال بکنند که چرا طهران را جمعی قرار داده اند بله برای این که ممکن است بجهت اینکه اینجا تمام اهالی را بشناسد و مآورد و میدهند بجهت بجهت اینکه ممکن است امداد کرمانشاه اینکه یک مرکز داشته و انجمن جرح هم نداشته باشد این هم محال است وقتیکه یک مرکز قرار دادیم این محروم کردن است بجهت اینکه محال است همه بیایند در یکجا رأی بدهند پس باید ناچار انجمن نظارت مرکزی انجمن های جرح قرار بدهند

آنوقت آمدیم که به بینم انجمن نظارت مرکزی که انجمن های جرح قرار میدهند اهالی کرمانشاه نسبت با آنها متساوی هستند یا خیر در صورتیکه متساوی نشدند باز معنی محروم کردن است عقیده ام این است که اشکالاتیکه با انتخاب جمعی میکنند از این است که تمام مملکت حق تمام مملکت ایران باید یک مرکز داشته و هر کسی صدویست نفر را بنویسد و بیایند بآن مرکز این عقیده بنده است در انتخاب فردی و فردی که میگویند یکلی غلط است و من از سلطنت ملی و عمومی همینرا میفهمم از این راه عرض میکنم که کرمانشاه خالی از دوستی نیست یا تمام کرمانشاه نوشته اند گزارش کرمانشاه خواهد شد آنوقت این همان است که حاج دکتر رضا خان فرمودند بجهت اینکه عاده بعضی ها نمیتوانند بیایند در یک مرکز رأی بدهند و آنها را ما در اینجا محروم کرده ایم چرا مردم را محروم بکنیم و چرا سلطنت ملی را از دست مردم بگیریم و باینکه میگویند ممکن نیست یک حوزه قرار داد آنوقت حوزه انتخاب را چند جا که قرار میدهند باید بچند دگر تقوس هر یک با تقوس کرمانشاه متساوی است چه عیب دارد بکنند والا اگر متساوی نیست آنوقت باز اینجلس معوم میکند ملت را از انتخاب اشکال نیست و هر کس جواب میدهد باید این جواب بدهد .

رئیس - در این باب مذاکرات گویا کافی باشد .

مرکز حوزه انتخابیه کرمانشاه .

سعیدالاطیاء - اینجا مذاکرات زیاد میشود ولی بعضی دفاع میکنند که انسان نمیداند بچند نفر طرف باشد بنده اینجا لازم میدانم که عرض کنم تفاوت سلطنت ملی یا سلطنت استبدادی چیست سلطنت ملی آنستکه تمام مردم بادیوت یکی هستند و با سستی که تمام افراد ملت کمک فکری بدولت بدهند وقتی که نباشد اهالی یک مملکتی یک دولتی یعنی بهشت دولت خودشان کمک فکری بدهد البته نمیتواند در یک مملکتی با چندین کشور جمعیت حالا مملکت خودمان را بگیریم مملکت ما که سی کشور جمعیت دارد این را هم متفرق میکنیم چطور که در تمام مملکت یک مرکز ممکن نیست و باید متفرق کرد مراکز را هم چنین در یک ایالت یا ولایت یا در یک محال هم همینطور است والا اگر ممکن نشد عاده والا عقلا ممکن است یک نفر از آخر خاک گلیایکان یکدانه مسافت بکند بیاید فرضا طهران را بشیرا بدهد مراجعت بکند عقلا ممکن است اجازه عقلا عاده گفتم ممکن نباشد عاده که ممکن نشد عاده و میگویند که این ممکن نیست محال است وقتیکه این ممکن نشد عاده آنوقت یک مرکز قرار دادن واقعا این محروم نکردن است و کسی هم هر چه برخلاف این بگوید بنده نمیتوانم قبول کنم مثلا طهران را اشکال بکنند که چرا طهران را جمعی قرار داده اند بله برای این که ممکن است بجهت اینکه اینجا تمام اهالی را بشناسد و مآورد و میدهند بجهت بجهت اینکه ممکن است امداد کرمانشاه اینکه یک مرکز داشته و انجمن جرح هم نداشته باشد این هم محال است وقتیکه یک مرکز قرار دادیم این محروم کردن است بجهت اینکه محال است همه بیایند در یکجا رأی بدهند پس باید ناچار انجمن نظارت مرکزی انجمن های جرح قرار بدهند

آنوقت آمدیم که به بینم انجمن نظارت مرکزی که انجمن های جرح قرار میدهند اهالی کرمانشاه نسبت با آنها متساوی هستند یا خیر در صورتیکه متساوی نشدند باز معنی محروم کردن است عقیده ام این است که اشکالاتیکه با انتخاب جمعی میکنند از این است که تمام مملکت حق تمام مملکت ایران باید یک مرکز داشته و هر کسی صدویست نفر را بنویسد و بیایند بآن مرکز این عقیده بنده است در انتخاب فردی و فردی که میگویند یکلی غلط است و من از سلطنت ملی و عمومی همینرا میفهمم از این راه عرض میکنم که کرمانشاه خالی از دوستی نیست یا تمام کرمانشاه نوشته اند گزارش کرمانشاه خواهد شد آنوقت این همان است که حاج دکتر رضا خان فرمودند بجهت اینکه عاده بعضی ها نمیتوانند بیایند در یک مرکز رأی بدهند و آنها را ما در اینجا محروم کرده ایم چرا مردم را محروم بکنیم و چرا سلطنت ملی را از دست مردم بگیریم و باینکه میگویند ممکن نیست یک حوزه قرار داد آنوقت حوزه انتخاب را چند جا که قرار میدهند باید بچند دگر تقوس هر یک با تقوس کرمانشاه متساوی است چه عیب دارد بکنند والا اگر متساوی نیست آنوقت باز اینجلس معوم میکند ملت را از انتخاب اشکال نیست و هر کس جواب میدهد باید این جواب بدهد .

رئیس - در این باب مذاکرات گویا کافی باشد .

آئینه افکار ملت بیچاره و آن رعیت ستم شده هستند با سستی که آنها وکیل داشته باشند از خودشان تا حافظ حقوق آنها باشد وقتیکه ما در اینجا هستیم در این آخر دوره نمیدانم برای اغراض شخص عرض کنم باینکه طرف داری یک حزبی عرض کنم نمیدانم چه عرض کنم باین ترتیب حفظ حقوق موکلین و راهبای بیچاره را کرده ایم یا خیر همانطور که آقای دکتر حاج رضاخان مخالفت کردند بنده هم مخالفت میکنم و باید ارضی نشیوم که حقوق یک عده زیادی را بدیم یک عده قلیل .

رئیس - شما بکفوری حرارت پیدا کردید و درست نمیدانید چه میگویند خوبست قدری آرامی صحبت کنید چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است یکی یکی خوانده میشود (به ترتیب ذیل قرائت شد) از طرف آقا محمد بروجردی - بنده پیشنهاد میکنم چهار نفر کرمانشاه و توابع را دو نفر مرکز کرمانشاه قرار دهند یک نفر کنکاور یک نفر سنجایی

رئیس - آقای آقا محمد در پیشنهاد خودتان اگر توضیحی دارید بدهید .

آقا محمد - این مقدار عرض کنم اول این خاک کنکاور است که چهار فرسخی نهاروند است و یازده منزل است ناقص و در طول این یازده منزل هم قراء زیادی است که سکنه زیاد دارد و هم چادر نشین دارد که آنها در غیر کنکاور نمیتوانند حاضر شوند اگر مرکز را در غیر کنکاور قرار بدیم آراء آنها از بین می رود باین جهت بنده پیشنهاد کردم که حق یک وکیل به کنکاور توابع آن بدهند چون کنکاور یک جای معتبری است و از تمام اطراف هم بآنجا حاضر خواهند شد که رأی بدهند و کنکاور را مرکز قرار بدهند و یک نفر هم براهب بدهند و مرکز را براهب قرار بدهند که جهت جا معینی دارد

رئیس - آقای مغیر این اصلاح را قبول دارید **ذکاء الملک** - خیر رأی بگیرد .

رئیس - رأی میکنیم باین اصلاح که آقای آقا محمد پیشنهاد کرده اند آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (بعضی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاحی آقای میرزا ابراهیم خان پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (عبارات ذیل خوانده شد)

این بنده پیشنهاد میکنم - حوزه بندی کرمانشاه بقرار ذیل معین شود :

کرمانشاهان - مهابدشت - چچال - بیستون - ۲۲ - مرکز حوزه . . . کرمانشاه - نصر ذهاب - کرند - کلهر - سنجایی کوران - یکنفر - مرکز کرند - صحنه - دنیور - هرسین - کنکاور - یک نفر - مرکز - کنکاور

آقای میرزا ابراهیم خان - توضیح بنده باختصار اینست که زیاده از صد و پنجاه فرسخ مربع یک زمین را که دارای ناصب هراتر نفر جمعیت باشد برای تمام اینها در یک چنین صفحه خاکی یک مرکز کنیم معنی اینست که تمام آن سکنه از حق انتخاب محرومند و انتخاب باید در شهر کرمانشاه بشود لهذا بنده او را تقسیم کرده ام به حوزه که هر حوزه به نماینده و حق خودش برسد .

ذکاء الملک - ترتیب حوزه بندی باین شکل نشود .

رئیس - رأی میکنیم باصلاح آقا میرزا ابراهیم خان آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

رئیس - مشکوک شد دو مرتبه رأی میکنیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد در اینصورت سایر اصلاحات را خواندن شاید جا نداشته باشد آقای دکتر حیدر میرزا رأی میکنیم باصلاح شما .

دکتر حیدر میرزا - در صورتیکه آن قابل توجه شد بنده اصلاح خودم را پس میکنم .

رئیس - پس این فقره بر میگردد بکمیسیون گروس .

گروس عده نمایندگان یکنفر (نقاط جزء هر حوزه انتخابیه) - گروس و توابع .

رئیس - مخالفی هست ؟

حاج عز الممالک - گروس و توابع غلط است باید نوشته شود بیچار و توابع

ادیب التجار - یک افشاری هم هست ضمیمه گروس خوب است آراهم بنویسند که بدانند

معین الرعایا - میخواستم عرض کنم افشار جزو آذربایجان است ربطی بگروس ندارد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) مرکز حوزه انتخابیه - بیچار .

رئیس - رأی میکنیم بحوزه انتخابیه گروس آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد کرمان بلوچستان خوانده میشود (به ترتیب ذیل قرائت شد)

کرمان بلوچستان - ۶ نفر (نقاط جزء هر حوزه انتخابیه) .

کرمان . ماهان . جویسار . چترود . سرآسیابین . کوه پابه . خبیس انفر مرکز حوزه انتخابیه کرمان . رفسنجان . انار . یاریز . نوق زرنده . کوه بنا . راور . شتر بانک (۱ نفر) مرکز حوزه انتخابیه . رفسنجان . سیرجان . اقطاع و افشار . لک . بزنجان . ازرویه بردسیر (۱ نفر) مرکز حوزه انتخابیه . سیرجان . اسفندقه . جیرفت . رودبار . جبال بارز . سالار دبه . یکنفر مرکز حوزه انتخابیه جیرفت . لوگر . داین . نهرود . نیم نرماشیر . یکنفر . مرکز حوزه انتخابیه . بم . بلوچستان . یکنفر . مرکز حوزه انتخابیه . فهرج

رئیس - مخالفی هست ؟

محمد هاشم میرزا - بنده هر چه تصور میکنم کرمان را کمتر از نصف آذربایجان یادو نك خراسان نمیدانم و شش نفر را برای کرمان خیلی کم میدانم و پیشنهادی کرده ام عقیده ام اینست که یکنفر برای بلوچستان و شش نفر برای کرمان در موقع خواندن پیشنهادم اگر مخالفی هست توضیح خواهم داد .

افتخار الواعظین - موافقت بنده اشتباه نشود که از چند جهت است بنده در خراسان هم که مخالفت کردم از جهت عده نه بوده است و عرض کردم چنانچه برای خراسان هشت نفر معین میکردند و تقسیمات صحیح بوده که تمام اهالی میتوانستند شرکت بکنند بنده آنوقت مخالف نبودم در کرمان هم می بینم تناسب تقسیم شده است تقسیمات یک تقسیماتی است

که هر - از آنجورها می توانند مستقیماً انتخاب بکنند و یک نفر نماینده خودشان را بفرستند برای مجلس شورای ملی و از این جهت است که بنده موافقم و عرض میکنم که عده همین شش نفر که نوشته شده در صورتیکه ملاحظه داشته باشیم که عده نمایندگان از ۱۲۰ نفر تجاوز نکنند کافی است و بنده مخالفم با اینکه هر یک از این حوزه ها نتوانند یک نفر وکیل بکنند و هر یک بفرستند .

حاج دکتر رضاخان - بنده بنده مخالفتم در عده است و ایراد دیگر در خصوص انتخاب فردی است و حالا آقای مغیر میفرمایند که انتخاب فردی خیلی خوبست زیرا حوزه بندی در کمال خوبی شده است و خاکش هم آباد و متفرق است باینجهت حوزه بندی کردیم و ممکن بود در سایر نقاط هم همینطور بشود حالا این بماند اما از جهت عده بنده تمجیب میکنم که از جهت اهمیت و از جهت جهت خاک از هر جهت بسنجیم برای ایالت کرمان شش نفر کم است و اینکه می فرمایند نظر بآنکه عده نمایندگان از صدویست نفر تجاوز نکنند کفایت عرض بکنم - اگر محدود میشد بهمین صدویست نفر صحیح بود لکن وقتیکه سایر جاها افزوده شد نمیگوئیم که عده زیاد شد و اینجا شش نفر خیلی کم است و خواهش میکنم از آقای مغیر که اگر واقعا توضیحی دارند از برای اینست که شش نفر کفایت بفرمائید .

ذکاء الملک - توضیح بنده اینستکه آقای دکتر رضاخان نظرشان بتوسیع خاک است و وسعت خاک نقاط اعتبار نیست عده نمایندگان هم اینقدر کم نیست که بگویند کرمان را این قدر محل اعتبار قرار ندادند و اینکه میفرمایند کافی نیست این عده نسبت بجمعیت آنجا بنده هم میگویم کفایت هیچکدام شاید دلیل محکمی نداشته باشیم .

رئیس - مذاکرات گویا کافی است ؟

رفسنجان - انار - یاریز - نوق - زرنده - کوه بنان - راور - شربانک - عده نمایندگان یک نفر مرکز حوزه انتخابیه - رفسنجان .

دکتر حیدر میرزا - بنده امروز در آن صفحه موافق و مخالف اسم خودم را نوشته بودم گویا فراموش شده است .

رئیس - بنده صحیح است فراموش شده بود بفرمائید .

دکتر حیدر میرزا - میخواستم عرض کنم درباره کرمان وثابت میکنم که کرمان علاوه بر وسعت خاکش دو کرور جمعیت دارد وسعت خاک که میفرمایند مناط اعتبار نیست بنده هم تصدیق دارم لکن عرض میکنم کلیه جمعیت کرمان زیاده بر دو کرور است و شهر کرمان زیاده بر صد هزار جمعیت دارد بعد مسافت اسباب عدم اطلاع است بغیر آن شهر کرمان دوهزار کارخانه قالی بافی دارد که همه آقایان میدانند که هر یک از سه الی پنج پسر دوازده ساله در آن کار میکنند همین عده هم اطفال اثاث دارد و آنوقت از اینرو حساب بکنید ببینید چقدر جمعیت دارد این شهر که آنقدر اطفال دارد شهر کرمان بطور قطع صد هزار جمعیت دارد منتهی کثرت بعد آن بیچارگان بر مرکز مانع عدم توجه مملکت شده بطرف کرمان خود بلوچستان دوست هزار جمعیت دارد بله جمعیت بلوچستان کم است

نسبت بفاکش بلوچستان شصت هزار مرد پیاده داده اند در بلوای این خودشان چقدر جمعیت لازم است که شصت هزار مرد تنها بدهد گذشته از این در این تقسیم که اتفاق تبدیل شده بنده خیلی راضیم از طرف خودم و از طرف اهالی کرمان لکن اگر بخواهند درست ملاحظه حق آنها را بکنند باید بهر بلوک آن يك و كیل بدهند بجهت اینکه روی نقشه نگاه بکنند فاصله بین اینها هر کدام بیست فرسخ وسی فرسخ است و آنوقت دو سه قطعه که بین آنها آفتاب فاصله است جمع کرده اند و يك حوزه انتخابیه کرده اند این ملاحظاتی را باید در باره آنها کرد و باید دانست که اطراف این بلوک این فاصله که هست تمام بیابان فقر لم یزرعی است که خیلی مشکل است مسافرت و بنده پیشنهاد کرده ام که هشت نفر نماینده بآنها داده شود از روی هشتصد هزار جمعیت که قدری هم رعایت حقوق آنها شده باشد این يك مملکتی است که سالی پنج کروار فوائد تجارتش میرسد در صورتیکه سالی دو هزار ذرع ماهوت خارجی در آنجا مصرف نمیشود

محمد هاشم میرزا - پیشنهادی که میشود در خصوص عده خویش تقاطع جزء هم خوانده شود که معلوم باشد بکجا افزوده میشود و اگر غیر از این باشد معلوم نیست بکجا افزوده میشود

رئیس - قسمت دوم در سنجان و غیره مخالفی هست ؟

سیرجان - انقطاع - افشار - لك - زنجان - از رویه - بردسیر یکنفر

رئیس - مخالفی هست ؟

ناصر الاسلام - بنده عقیده ام اینست که مادر این تقسیمات نمیتوانیم برای بندهم مگر اینکه اول بدانیم مجلس عده نمایندگان کرمان را چند نفر تعیین خواهد کرد

رئیس - ما حالا میخواهیم برای بگرییم مذاکره میکنیم ترتیبی را که تا بحال رفتار کرده ایم نمیتوانیم تغییر بدهیم

ناصر الاسلام - بنده مخالفم

رئیس - مخالفید بگوئید دیگر

ناصر الاسلام - بنده برخاستم برای اثبات مخالفت خودم پس خوب است گوش بدهید تا ملتفت شوید که مخالفم یا نه عرض کردم که ناعده نمایندگان کرمان را اول معین نکنیم نمیتوانیم این تقسیمات حوزه بندی ها را معین کنیم

رئیس - عرض کردم نمیشود

ناصر الاسلام - نمیشود نمیشود

رئیس - بشا اخطار میکنم

ناصر الاسلام - مختاریه هر چه میخواهد بکنید

مرکز حوزه انتخابیه سیرجان

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

مهن - اسفندقه - جیرفت - رودبار - جبالبارز - سالار دویه یکنفر

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

مرکز انتخابیه جیرفت

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

لوگر راین - نهرود - بم - نرماشیر یکنفر

رئیس - مخالفی هست

دکتر حمید میرزا - ریکارو هم يك بلوکی است که در گرمسیر است او هم باید نوشته شود

ارباب کیخسرو - بنده اول آن اظهاریکه آقای دکتر رضا خان کردند تصویب میکنم و ثانیا بنده هم در مقدمه عرض داشتم و میخواستم عرض کنم که در کرمان هم حاکم از مرکز کرمان می رود و عقیده بنده این است که این عده برای کرمان کم است و با آن پیشنهاد آقای دکتر حمید میرزا هم موافقم و همانطور است که ایشان گفتند کرمان با توابعش دو کروار جمعیت دارد و قابل هشت نفر نماینده است خوب است رای گرفته شود

رئیس - اگر عده تغییر بکنند باید قابل توجه شود برود بکمیسیون و حوزه بندی تغییر بکنند از اول قانون انتخابات اینطور عمل کرده ایم بنده نمیتوانم حالا چه شده است در باب کرمان باید ترتیب تغییر کند مرکز انتخابیه بم

رئیس مخالفی هست (اظهاری نشد)

بلوچستان - یکنفر

رئیس مخالفی هست

اوعالدوله - بنده در بلوچستان مخالفم بجهت اینکه بلوچستان از قزاقیکه معین شده است دویست هزار جمعیت دارد و آنها دو طایفه اند که اگر از آنها ما امروز نماینده داشتیم خیلی ببرد ما میخورد بجهت اینکه بلوچستان اینکه این طوایف بی اندازه در سیاسیات مداخله دارند اگر در ایران طوایف متنازی هست بلوچ است و پیشنهاد هم کرده ام در خصوص کرمان بلوچستان

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت فرمائید

حاج شیخ اسدالله - در باب عده بلوچستان که میفرمایند دویست هزار نفر جمعیت دارد اگر بنده عرض کنم صدیا دویست یا ناصد هزار جمعیت دارد تمام حدسی است زیرا عده حقیقی هیچ يك از تقاطع را نمیدانم بخصوص بلوچستان را اما بآن نظریکه آقای لواءالدوله فرمودند طایفه طایفه اند و از هر طایفه يك وکیل بگیریم اینطور نیست این یکنفر فقط برای يك طایفه است که جزو خاک کرمان است و از صد هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد و این معقوف شده است و حق یکنفر نماینده آنها داده شده است بنده در یکنفر عرض ندارم اما زیادی از یکنفر ا کدو نفر سه نفر باشد بنده تصویب نمیکند و اگر بیش از این بکنند مقضی نیست و شاید هم بفرستند

بجهت - یکی از تقاطع خیلی مهم ایران بلوچستان است بلوچستان باین طوری سکه اشتباه می شود که تمام ایلاتند و اینطور نیست بلوچستان دو قسمت میشود يك قسمت از بلوچستان بنادر است يك قسمت دیگرش صحرا است و در صحرا طوایف متعدد است بنادری هست که يك قسمتش متصل میشود به خلیج فارس که منتهی میشود و يك قسمتش منتهی میشود باقیانوس هند و همه اش بنادر فارس نامیده میشود يك قسمتی هست که منتهی میشود به خلیج فارس از قبیل بندر کوا دورچاه بهار که قطعه جهاز جنگی انگلیس است که در مقابل کوه و کهنه واقع است در ممی اگر ملتفت باشیم این

بلوچستان واقع شده است در کنار خلیج فارس و کنار اقیانوس هندی است که در جزو خلیج فارس حساب میشود و آن خیلی نقطه مهمی است و جمعیت بلوچستان همه اش ایلات نیست هم شهر نشین دارد و هم ایلات دارد آقایان اظهار میدارند که هشت نفر وکیل بگیرمان بدهند بنده مخالفت نمیکند ولی نقطه نظر من این است که به بلوچستان دو نفر وکیل بدهند و آن نقاط جزئی هم که از قلمرو افتاده ذکر شود و اینجا دو نفر وکیل لازم دارد که یکی متعلق بآن صحرا نشین ها باشد و یکی راجع به بنادری و مطابق این عرایضی که کردم پیشنهاد میکنم که یکنفر علاوه شود برای بلوچستان و حالا اگر آقایان زیادتر پیشنهاد میکنند برای کرمان و بلوچستان مختارند ولی نقطه نظر بنده این بوده است که آن يك نفر اضافه شود و تقاضا میکنم که در این قسمت بلوچستان در کمیسیون تجدید نظری بشود که برای هر کدام از این قسمت وکیل معین کنند چون يك طایفه نیستند اگر تجزیه نشود يك اختلافی میان این دو تا پیدا میشود و جمعیتش هم بطور یقین از دویست هزار نفر بیشتر است یکی میافتد به بنادر بلوچستان که آخر بنادو فارس میشود و یکی هم مال طوایف بلوچ میشود مرکز حوزه انتخابیه فرج

رئیس مخالفی هست

عزالملك - حاکم نشین بلوچستان بم پور است و اینجا فرج نوشته شده است خوب است همان پیور نوشته شود

دکتر حمید میرزا - میخواهم عرض کنم که فرق نمیکند فرج با پیور دوسه فرسخ بیشتر تفاوت ندارد ولی در فرج چون قلمه حکومتی است بهتر است و معاش هم عالیتر است بر فرض پیور عده اش زیاد باشد و حکومت نشین باشد فرج بهتر است

رئیس - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده است بعضی راجع بنده نمایندگان بعضی هم راجع بحوزه بندی عده که پیشنهاد شده است هفت و هشت نفر است اول در هفت باید رای بگیریم آقای حاج اسدالله فرمایشی دارید بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده پیشنهاد کردم که عده نمایندگان کرمان هفت نفر باشد بحد پیشنهاد تانی پیشنهاد کردم که آن یکنفر را اضافه کنند بمرکز شهر کرمان با آن ولایاتیکه ضمیمه شده است و آن حوزه بندیها هم که شده است بهمان حالت باقی باشد و توضیحی هم که دارم اینست که بهر نظریکه خواسته باشیم بکرمان نظر کنیم کمتر از هفت نفر نمیتوانیم تصویب بکنیم و اینجا آقای بجهت میفرمایند که باید یکنفر به بلوچستان اضافه شود بنده هفت نفر را عقیده دارم و بهمان هفت نفر رای بگیریم حالا اگر آقایان زیادتر عقیده دارند خود میدانند عرضی ندارم و پیشنهاد خودم را در موقمش پس بگیرم لکن کمتر از هفت نفر نمیتوانیم رای بدهیم

بجهت - عرض میکنم اینکه بنده هفت نفر پیشنهاد کردم ملاحظه اش را عرض کردم ولی استدعا میکنم که اول در هشت نفر رای گرفته شود اگر اول در هفت نفر رای گرفته شود ممکن است بعضی بهشت نفر عقیده داشته باشند و رای ندهند آنوقت بهشت نفر نمیشود رای گرفت بنده استدعا

می کنم پیشنهاد بنده را بعد از هشت نفر رای بگیرید

محمد هاشم میرزا - عرض می کنم همچو نیست که اگر بهشت نفر رای ندادند بنده بهشت نفر رای داد عقیده آن اشخاصی که هفت نفر را پیشنهاد کرده اند بحتل که بیشتر از هفت را عقیده ندارند و همینطور اشخاصی که هشت نفر را پیشنهاد کرده اند در هفت نفر رای نخواهند داد چون عقیده شان این است که کرمان و توابعش هشتصد هزار جمعیت دارد پس هر کسی بهشت نفر عقیده دارد بهشت نفر رای نخواهد داد و آنکه بهشت نفر عقیده دارد بهشت نفر رای نخواهد داد

نجم آبادی - در ایورد اول کمیسیون میزان تقریبی در تمام نقاط ایران صد هزار نفر بوده و عده نمایندگان هفت بود در این راپورت میزان صحیحی منظور نیست در بعضی نقاط صد هزار نفر در بعضی نقاط صد و پنجاه هزار نفر منظور شده و در بعضی مثل کرمان دویست هزار نفر گویا منظور شده لذا بنده پیشنهاد کردم همان هفت نفر باشد و در خصوص حوزه بندی هم پیشنهاد کردم که یکنفر بحوزه بندی آنان اضافه شود

رئیس - در باب رای گرفتن تا حال رسم این بوده است که اول در عده کم رای میگیریم حالا هم همانطور رای میگیریم - آقایانیکه تصویب میکنند عده نمایندگان کرمان هفت نفر باشند قیام نمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای دکتر حمید میرزا توضیح بدهید در پیشنهاد خودتان

دکتر حمید میرزا - چنانچه عرض کردم عرایض خودم را همان بعد مسافت مملکت سبب عدم توجه بکرمان شده است اگر هم میفرمایند که کم جمعیت است آنها بواسطه وسعت خاک او است و نسبت بوسعت خاکش کم جمعیت است و الا دو کروار جمعیت ایالت کرمان است مثلا شهر کرمان اگر مردم میگویند ۳۰ هزار ۴۰ هزار جمعیت دارد بنده دلیل رد او را دارم عرض میکنم که الا پنج هزار کارخانه قالی باقی در آنجا است که تیار قالی خر آذربایجانی در آنجا هستند که از کارخانه های شهر کرمان قالی میخرند و رفته اند دیده اند از آنها تحقیق بفرمائید که شهر کرمان چقدر کارخانه دارد که مخصوص قالی بافی است و هر کارخانه ۶۰۰ الی هفت نفر بچه هستند که اگر آن بچه ها را خواسته باشیم حساب کنیم ۴۰۳۰ هزار نفر است چقدر جمعیت باید باشد که ۴۰۳۰ هزار اطفال باشد و آقایانیکه میگویند سی هزار نفر جمعیت دارد از عدم اطلاع است سر هم رفته مملکت کرمان اگر بگوئیم دو کروار جمعیت ندارد و اقلا نهمصد هزار جمعیت دارد و اینکه عرض کردم انتخاب جمعی نباشد بواسطه این بود که بین آنها نمیتوان تقسیم صحیحی کرد چون بیابانهای فقر لم یزرع است که واقع شده است بین این آبادیها بنابر این انتخاب فردی خیلی خوب است و بنده دو نفر اضافه کرده ام یکنفر برای خود کرمان که هیچ حرف ندارد زیرا جمعیت کرمان بیش از اینها است و آتش صد هزار جمعیت دارد و دیگر کوه پایه سر آسیا بین چترود چوپار ما مان که آنها هم یکصد هزار

جمعیت دارد و توابعش را شش نفر بدهیم حالا اگر هم خواسته باشند انتخاب جمعی هم بکنند بنده اصراری ندارم مختارند ولی لازم است که هشت نفر باشد مثلا هشت نفر را مستحق است نسبت بهمان ترتیبی که بسایر نقاط از روی جمعیت داده اند

رئیس - آقای حاج آقا - آقای لواءالدوله آقای سید حسین اردبیلی از این استدلالات آقای دکتر حمید میرزا قانع شدید یا آنکه توضیح میدهید

لواءالدوله - عرض میکنم مذاکره بقدری شده است که دیگر مذاکره کردن را کافی میدانم ولی این دو نفر را که بنده پیشنهاد کرده ام یکی برای کرمان است و یکی برای بلوچستان که کمیسیون یکی تعیین کرده است مابقی جاها را با کمیسیون موافقم ولی یکنفر برای بلوچ لازم است که دو نفر نماینده داشته باشد مگر عرض کردم که ما نباید برای شهر کار بکنیم برای دهات اطراف هم باید کار بکنیم که آنها شهری شوند

رئیس - آقای اردبیلی بفرمائید

آقا سید حسین اردبیلی - توضیحاتی که برای لزوم هشت نفر داده شد بنده علاوه میکنم بر آنکه کرمان یکی از ایالات بزرگ مملکت است در صورتیکه برای آذربایجان و اطراف آن ۹ نفر تصویب بکنیم کرمان هم همانقدر شاید بالاتر جمعیت داشته باشد در تقسیمات که شده است در پیشنهاد خودم عرض کردم که هشت نفر بحوزه هائیکه در آنجا معین شده است تقسیم شود

رئیس - آقای حاج آقا بفرمائید

حاج آقا - بنده گمان میکنم آنقدر توضیحاتی که باید داده شود داده شد چیزی بنده مگر نمیکنم در آن پیشنهادیکه بنده کرده ام عده را نوشته ام که بعد از آنکه قابل توجه شد حوزه بندی او را واگذار میکنم بنظر خود کمیسیون محض یاد آوری عرض کردم هیئتقدر نظر آقایان را متوجه میکنم باین نظر که بابا تا دوردست و ولایات جنوبی يك نظر توجهی بکنند که اقلا از آن دوره اول کمتر نشود که اقلا ببلاد دوردست هم در رشه آبادی بیفتند

رئیس - رای میگیریم در این پیشنهادها که عده نمایندگان کرمان هشت نفر باشد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت قابل توجه شد حالامی رود بکمیسیون در باب حوزه بندی ها بعد از اینکه در کمیسیون اصلاح شد رای میگیریم

رئیس - مخالفی هست

لواءالدوله - در شور اول يك پیشنهادی در اینخصوص کردم که چهار نفر باشد بجهت اینکه ما همیشه گفتار و کردارمان نظر بسابقه است بنده به ملاحظه اینکه خود را نسبت بدهیم بگلیایگان و خونسار خیر چون برای قرین و سایر جاها هم حرف زدیم و پیشنهاد کردیم برای ملت عرض می کنم برای خودم عرض نمیکند در کمیسیون بنده نرفته ام گویا در باب گلیایگان و خونسار فطنت شده است بیستون راسکه يك ده است جزو کرمانشاه اسم برده اند در صورتیکه این خودش معلوم است و همه کس میداند که جزو کرمانشاه است و هیچ اسم

لازم ندارد و يك بلوک معتبری را باید بنویسند فراموش کرده اند و خونسار را نوشته اند در شور اول هم عرض کردم سیصد و هشتاد هزار نفر این مجلهها جمعیت دارد که گلیایگان و خونسار و مجلات و کمره است سابقا هم بگلیایگان و خونسار و کمره و مجلات مجلس هر کدام را يك وکیل داده بودند که چهار وکیل باشد حالا آمده اند دو نفر قرار داده اند بنده يك پیشنهادی کردم و رجوع شده کمیسیون ابتدا کمیسیون توجهی نفرمودند اسمی از او نبرده اند حالا چون بنده میدانم که چهار نفر قبول نمیشود من باب کسی پیشنهاد نکردم من باب خودم هم پیشنهاد نکردم من باب خدا پیشنهاد کرده ام که سه نفر باشد که ظلم نشود باین بیچاره ها (مرکز حوزه انتخابیه گلیایگان)

رئیس - مخالفی هست

لواءالدوله - نظر بآن پیشنهاد که کرده ام حوزه خونسار را بنده از گلیایگان مجزا کرده ام

حاج شیخ اسدالله - گویا اینجا اشتباه کرده اند چهار مجال را خواندند و آنوقت مرکز را فقط خونسار معین کردند

رئیس - چهار مجال را نتواندند دو محل را خواندند

کمره - سایر بلوک - مجلات یکنفر

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

مرکز حوزه انتخابیه مجلات

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد)

پیشنهادی از آقای لواءالدوله شده است قرائت می شود

(ببارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نظر بهر صد هزار نفر که یکنفر نماینده انتخاب میشود باید از ولایات ذیل چهار نفر نماینده انتخاب نمود که حقوق ملت محفوظ و هم رعایت طایفه رنجبر شده باشد چون میدانم که چهار نفر قبول نخواهد شد لهذا این بنده پیشنهاد میکنم که از مجلات ذیل بطریقی که عرض میشود نماینده منظور شود خونسار و میدهند بلوک هرستان و امرود یکنفر - گلیایگان و توابع یکنفر - مجلات و کمره و سایر بلوک یکنفر

رئیس - آقای لواءالدوله توضیحی دارید بفرمائید

لواءالدوله - عرض کنم این چیزی که بنده اینجا توضیح دادم خونسار است و بلوک عرب چندین سال است که هر جا آمده اند آنجا موطن کرده اند و به بلوک هرستان معروف است چندین است که موطن کرده اند و به بلوک موطن کرده اند و چند ده است که آنها موطن کرده اند و قریب پنج شش فرسخ طول دارد تا خونسار یه هند است و بلوک هرستان و امرود است که در پیشنهاد اسمی آنها را نوشته ام دهات خیلی آبادی است که هر کدام یا بند خانوار دارد و اینها را بنده منضم بحوزه ها کرده ام که جزء خونسار است و جمعیت هر يك از آنها از صد هزار بیشتر است و مجلات هم از سیصد هزار نفر جمعیت بیشتر است

رئیس - مغیر چه میفرمائید

ذکاء الملك - در صورتیکه مجلس برای عراق رای نداد یکنفر اضافه شود گمان نمیکند

تصویب کنند که برای اینجا یک نفر اضافه شود . رئیس - رای میگیریم باصلاح آقای اوعالدوله آقایی که تصویب میکنند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد در صورتیکه قابل توجه نشد حوزه بندی را مسترد میدارید .

لواءالدوله - تقاضا میکنم برویک کمیسیون رئیس - رای میگیریم برابورت کمیسیون که دو نفر نوشته اند آقاییکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد - یکریس تنفس داده میشود . (بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد و شروع بقرائت حوزه بندی گیلان گردید .

گیلان چهار نفر رشت انزلی شفت فوسن گرگانه رود اسالم - طالش - دولاب - شایه زین - لاهیجان - لنکرود - رانکو - رود سر - رودبار - رحمت آباد - دیلمان . صارلو و غیره (۴) نفر .

رئیس - مخالفی هست .

محمد هاشم میرزا - بنده عده نمایندگان گیلان را چهار نفر کم میدانم و پنج نفر پیشنهاد کرده ام امیدوارم مقرر قبول کنند که محتاج برای باشد

آقای میرزا احمد - از اول این رابوریکه از کمیسیون انتخابات آمده تا بحال راجع بحوزه های انتخابیه اگر ملاحظه شود هیچ جا مثل گیلان بی ترتیب نشده است گیلان را مثل کرمانشاهان و کردستان و دارای چهار صد هزار نفر جمعیت فرض کرده اند و چهار نفر داده اند در صورتیکه در نظامنامه انتخابات سابق پنج نفر بود در آن رابورت اولی شش نفر نوشته بودند و تقاضای هفت نفر شده بود بنده میدانم از روی چه میزان نوشته اند اگر از روی میزان جمعیت است گیلان دارای شش هفت شهر بزرگ است از قبیل لاهیجان و لنکرود و غیره و سایر جاهای که چهار نفر معین شده است و از این شهرها ندارند گذشته از این مسئله اهمیت تجارتمی و اقتصادی و سرحدی که آقاییان خودشان اطلاع دارند و یکی از آن شهرها طالش و سایر ایلات است که هیچیک از ولایات این محلها را نداشته و آنقدر شهر در هیچیک از ولایات نیست بنظر بنده در باب گیلان یک بی انصافی شده است بجهت اینکه تمام جاها میزانش با اندازه خودش بوده است اما بگیلان یک بی اعتدالی شده است بنده گمان میکنم اگر خود آقاییان اعضای کمیسیون در واقع با وقت نظری بکنند خودشان منصف خواهند شد که چهار نفر کم داده اند بگیلان لهذا بنده تقاضا میکنم که بگیلان شش نفر نمایند بنده منصفم مطابق ۶ نفر حوزه بندی او را پیشنهاد میکنم و تقدیم منیام .

مخبر - بله گیلان سابق پنج نفر بوده است در این حوزه بندی جدید که تازه شده از طرف دولت این چهار نفر رامین کردند چون تاویل مجلس باین بود چون ما هم نظرم این باین بوده که هر قدر نمایندگان مجلس عدلشان کمتر باشد بهتر است بآن لحاظ ما هم موافقت کردیم باین حوزه بندی حالا که از آن ترتیب تجاوز کرده و عده نمایندگان کم و زیاد شد بنده هم تصدیق میکنم که گیلان نسبت بجای دیگر کم

شده است بنده یک ترتیب حوزه بندی رابا پنج نفر نماینده اش تقدیم میکنم و گمان میکنم همینطور تصدیق بفرمایند و کافی باشد .

(پیشنهاد آقای ذکاءالملک بعبارت ذیل قرائت شد) رشت توابع انزلی شفت فوسن و غیره ۳ نفر مرکز انتخابیه رشت گرگانه رود اسالم طالش دولاب شانه زمین مالیان یک نفر مرکز انتخابیه گرگان رود لاهیجان - لنکرود - رانکو - رود سر - رحمت آباد دیلمان - صارلو و غیره یک نفر مرکز انتخابیه لاهیجان .

رئیس - آقای هشتوردی مخالف هستید . هشتوردی - بله بنده پنج نفر پیشنهاد کردم چون مخبر پیشنهاد کردند بنده پس میگیرم و عقیده بنده هم پنج نفر بود .

بهجت - گیلان از هر جهت قابل توجه و قابل نظر است یکی از حیث سرحدی یکی از حیث آزادی خواهی و یکی از حیث تجارت قطع نظر از اینها یکی از ایالات ایران است اگر چه در این خصوص در مجلس رای داده نشده است ولی در دوره استبداد اینه مطلب یک ترتیبی بیشتر کرد و او اینکه بطور فوق العاده بود بهر حال رشت یکی از شهرهای معظم این مملکت است واقعا رشت راباتوایش نمیتوان کمتر از چهار نفر داد و شاید نمیشود کمتر از اصفهان داد یقیناً از شیراز کمتر نیست از آن طرف هم بعضی نقاط رشت خودش یک وکیل لازم دارد باینجهت بنده پیشنهاد میکنم ۶ نفر وکیل داشته باشد و بعد ترتیب حوزه بندی و تقسیمش را هم پیشنهاد میکنم و یقیناً جمعیت گیلان از شصت هزار و هفتصد هزار نفر کمتر نیست و برای تقسیمش هم مخالفم در اینکه یک حوزه باید ولی اول حال که بر میگردد بکمیسیون در ترتیب انتخابات جمعیتش هم مخالفم و نظرات خود را سابق گفته ام حالا در اینخصوص عرض میکنم بهر جهت باید بخود شهر رشت باتوایش و اطرافش که اسم برده شده است ۴ نفر لاهیجان با ارفاش هم دو نفر داد باینجهت بنده پیشنهاد کردم که ۶ نفر باشد .

رئیس - آقاییان مذاکرات را کافی نمیدانند (بعضی کافی دانستند)

چند فقره پیشنهاد شده است از طرف مشیر حضور که عده نمایندگان گیلان هفت نفر باشد و از طرف آقای محمد هاشم میرزا دکتر اسمعیل خان و هشتوردی که پنج نفر باشد از طرف آقای بهجت و آقای میرزا احمد و فرزانه و ناصر الاسلام که شش نفر باشد .

آقای فرزانه توضیحی دارید بفرمائید . فرزانه - چهار نفر نماینده که کمیسیون برای گیلان معین نموده است و حالا مخبر کمیسیون پنج نفر را قبول کردند کم میدانم همان طوریکه هم بعضی از آقاییان فرمودند و آقاییان میدانند که گیلان واجب بود آبادی است و اگر احصایه صحیحی میدانشیم میدانستیم که جمعیت گیلان کمتر از شصت هزار نفر نیست گذشته از این اهمیت آنجا بواسطه سرحد بودن زیاد است بنده همین جهت ۶ نفر را پیشنهاد کردم و استدعا میکنم نمایندگان محترم توجه مخصوص در باب گیلان بفرمایند که ظلم نشود .

رئیس - آقای ناصر الاسلام توضیحی دارید بفرمائید .

ناصر الاسلام - دلایلی که اغلب نمایندگان در مجلس اظهار کردند حق اظهارات آقای مخبر هم این بود که ما باید یک ترتیبی را اتخاذ کنیم که و کلاه زودتر حاضر شوند و مجلس افتتاح شود که دارد این است که اول وکیل که بمجلس آمده وکیل گیلان بوده و از سه حیث دارای این افتخار شد میتوان آنرا هم عرض کنیم از راه دانایی و ملتفت بودن با اصول مشروطیت و حفظ حقوق حقه خودشان بود چنانچه در این مدت که اسم مشروطه در ایران پیدا شد آنها همه قسم فداکاری و جانفشانی کرده اند و امتحانات خودشان را داده اند تاکنون هم میدهند و امیدواریم بعد از این هم بدهند و باز هم عرض کنم که کمتر مملکتی است که دهات و قراء و اطراف او با اصول مشروطیت و حفظ حقوق انسانیت آگاه باشند و آن مقام را دارا باشند افتخار آگیلان دارای این مقام هست و بطوریکه اسم برده شده است و نوشته شده است معلوم میشود که اغلب مجاهدین از گیلان میدانند این حرکت و جدیت پرورزی میکنند از بلصفتی مگر از مسبق بودن به محسنات مشروطیت و مطلع بودن بدعوت بشریت و از نقطه نظر جمعیت و عده هم اگر نظر بخواهیم بکنیم همینطور که توضیح دادند گیلان از حیث جمعیت و آبادی دارای هفتصد هزار نفر جمعیت است اگر احصایه بود معلوم میشد چون احصایه نیست هر کجا چیزی میگوید گیلان نقطه نیست که دور راز مرکز باشد یا خیلی بعید باشد و از وضع آنها اطلاع نداشته باشند گویا اغلب نمایندگان آگاه با وضع آنجا باشند اغلب آقاییان که مسافرت برشت کرده اند یا با گیلانیها معاشرت داشته اند بخوبی از گیلان و نقطه مرکزیت و عده جمعیت گیلان آگاهند و کمال بی معنی است که حالا عده آنها را کم بکنیم در صورتیکه در دوره انتخابیه اول که ترتیب صحیحی نداشته است (۵) نفر برای آنها معین کرده بودند با وجود این که یک درجه نبوده و میتوانیم بگوئیم آن قانون انتخابات عمومی نبوده و امروز روزی است که باید حق شناس بشود و حق عندالله بحق دار بدهند افلا بهمان میزانی که در قانون انتخابات معین شده است که از صد هزار نفر یک نفر بدهند داده شود حق این است که بگیلان ۶ نفر داده شود و برای حوزه بندی او هم پیشنهادی کرده ام اگر صلاح میدانند از روی آن ترتیب حوزه بندی بکنند .

رئیس - رای میگیریم بشش نفر آقاییان که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) رئیس - با اکثریت قابل توجه شد - راجع میشود بکمیسیون با این اصلاحاتی که راجع بحوزه بندی از طرف ناصر الاسلام و دکتر اسمعیل خان پیشنهاد شده است آقای مشیر حضور شما پیشنهاد خودتان را مسترد میکنید .

مشیر حضور - بله چون آن پیشنهادها قابل توجه شد بنده پیشنهاد خود مرا پس میگیرم و نمایندگان ۴ نفر با فروش آمل مشهد ر لاهیجان نور - کچور تنکابن کلار دشت کلارستان ۲ نفر - ساری - اشرف سواد کوه بندین د دانگه و چهار دانگه دو نفر .

رئیس - راجع بقسمت اول است مخالفی هست (اظهاری نشد)

رئیس - در قسمت دوم مخالفی هست .

میرزا داود خان - همان قسمی که در خصوص گیلان مذاکره شده همان قسم مازندران دارای آبادی است و بیسکی از نقاطیکه اسم برده نشده است علی آباد است که تمامش آبادی است دارای ۱۶۰ پارچه آبادی است که هیچ اسمی از آنجا برده نشده بنده تصور میکنم که ۲ نفر برای ساری و غیره کم باشد تقاضا میکنم که سه نفر باشد و علی آباد را هم جزء بکنند .

رئیس - آقای شریف العلماء فرمایشی دارید بفرمائید .

شریف العلماء - اولاً تقسیم حوزه بندی خیلی بی ترتیب است مثلاً بند بی هیچ ربطی بساری ندارد و مربوط بیار فروش است تا بنای این که با فروش راقدم نوشته است باید ساری مقدم شود مقدم مؤخر شده این را درست کنند ثالثاً این عده که معین کرده اند خیلی کم است بجهت این که مازندران و ساری ۸۰ بلوک است و چند محل دارد مثل سوادکوه و کلارستان و دماوند و غیره که اهالی این میکنم که این عده برای مازندران خیلی کم است و عده نفوس مازندران زائد بر هفتصد هزار نفر است و این عده که معین شده است کم است و پیشنهادی هم عرض کرده ام .

غیر السلطان - در شور اول بنده مخالف بودم تا این که در کمیسیون بنده را احضار کردند چون عذر داشتم حاضر نشدم بنده اینجا مخالفت کردم برای این بود که عرض کردم جمعیت مازندران بیش از ۶۰۰ هزار نفر است بنده میدانم چه جهت دارد که پنج نفر داده اند این دفعه هم ۴ نفر داده اند چون آن دفعه فیروز کوه جزء بود و این دفعه مجزی داده اند و یک نفر باو داده اند و اگر نظر بسایه است که ۴ نفر بود پس چرا این نظر بجای دیگر نشده است و جاهای دیگر را زیاد زدند و اینجا را نکردند و ۴ نفر مازندران راهمان ۴ نفر را پیشنهاد کردند اگر نظر بجمعیت است بنده عرض میکنم که مازندران بیش از گیلان جمعیت دارد و وسعت خاکش هم تقریباً ۴۰ فرسخ در ۶۰ فرسخ است و بلوکات آبادی هم دارد مثل نور و کچور که تقریباً دارای ۸۰ هزار جمعیت است و یکی هم تنکابن است که سی چهل هزار جمعیت دارد سایر شهر های عده حاکم نشین هم دارد چطور شده است که ۴ نفر مازندران داده اند بنده پیشنهاد کرده ام که پنج نفر مازندران بدهند و حال آن که پنج نفر را کم میدانم چون عده نمایندگان رابنده موافق هستم که زیاد نشود پنج نفر پیشنهاد کرده ام .

رئیس - تصور میکنم که مذاکره کافی است مرکز حوزه انتخابیه ساری .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) رئیس - چند فقره پیشنهاد شده است از طرف آقای شریف العلماء و لواء الدوله و غیر السلطان و انتظام الحکماء - آقای شریف العلماء توضیحی دارید بفرمائید .

شریف العلماء - همان است که عرض کردم .

لواء الدوله - عرض کنم آقاییان که از آن جا انتخاب شده اند توضیح داده اند و کلیه حقوق اهالی مازندران در چهار نفر تزییح میشود و ۶ نفر هم زیاد است ۵ نفر کافی است

انتظام الحکماء - بنده اگر چه اختصاص بنمایندگی مازندران ندارم ولی بواسطه اطلاع محلی که دارم و بدان بین حکم میکنند که در این محضر مقدس توضیحات بندهم تا خاطر نمایندگان محترم مستحضر شود که در واقع در خصوص مازندران یک بی انصافی و بی اعتدالی شده است زیرا از هر جایی که باید نماینده معین شود رعایت ملاحظات چهار گانه باید در او بشود اول اهمیت محل دوم جمعیت سیم وسعت خاک چهارم مالیات اما از حیث اهمیت گذشته از اینکه بیسکی از سرحدات منظم ایران محسوب میشود مخزن رزق و روزی دار الخلافه است یکی عده نفوس اما از حیث عده نفوس در ۳۰ سال قبل یا بیشتر یا کمتر وقتی ناصرالدین شاه خواست عده نفوس ایران را معین بکنند مأمورینی گرفتند و مازندران بچهار شهر و توابع مازندران چهار ده و شصت هزار عده نفوس آنجا را معین کردند که ساری و بارفروش و اشرف آمل باشد همه می دانند که از آن تاریخ تاکنون هم بمبارت آنجا افزوده شده است و هم بجمعیت آنجا علاوه مجال ثلاثه که تنکابن و کچور و کلارستان باشد که خود تنکابن چهل هزار نفر جمعیت دارد و کچور و کلارستان هم شصت هزار جمعیت دارد که اینچاهم تقریباً صد هزار نفر میشود منجمله نورات همینقدر عرض میکنم یک نوری اینجا نوشته شده است این نور ۱۸ بلوک است که هر بلوکی دارای چندین قراء و قصبیات است تقریباً ۳۰۰ پارچه ده است از ده پنجاه خانواری دارد تا هزار خانوار که اگر نور پشتهای را بخواهیم ملاحظه کنیم شاید صد هزار نفر جمعیت بیشتر دارد اما از حیث محل آن اگر تصور کنند یکی از سرحد های بزرگ مملکت است و بملاوه مخزن رزق و روزی اهالی پایتخت محسوب میشود اما از حیث مالیات اگر واقعا از سه چهار ایالت بگنیم در ولایات کمتر از جاهای دیگر نیست و اما از حیث وسعت خاک یک حد آن از پشت کوه شیرانات است تا کنار پیر خزر و باین ترتیب پیشنهادی کرده ام باید ۵ نفر از برای آنجا معین بفرمایند و در حوزه بندی مقدم و تأخیری اگر هست در کمیسیون اصلاح میشود

حاج عز الممالک - بنده پس از توضیحی که آقای انتظام الحکماء دادند عرض میکنم مازندران چند نقطه مهم دارد مثل ساری بار فروش اشرف آمل و محل ثلاث و بهر یک از اینها میشود یک وکیل بدهند زیرا هر کدام از اینها صد هزار نفر جمعیت دارد باین توضیحاتیکه نمایندگان دادند نظر نباید کمتر شود و تصور میکنم که مجلس هم موافق خواهد بود که عده نمایندگان ۵ نفر معین شود

رئیس - اول رای میگیریم به پنج نفر آقاییانیکه عده نمایندگان مازندران را پنج نفر تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - با اکثریت تصویب شد راجع بحوزه بندی از طرف آقای غیر السلطان و انتظام الحکماء

رئیس - توضیحی نیست که کمیسیون برای گیلان معین نموده است و حالا مخبر کمیسیون پنج نفر را قبول کردند کم میدانم همان طوریکه هم بعضی از آقاییان فرمودند و آقاییان میدانند که گیلان واجب بود آبادی است و اگر احصایه صحیحی میدانشیم میدانستیم که جمعیت گیلان کمتر از شصت هزار نفر نیست گذشته از این اهمیت آنجا بواسطه سرحد بودن زیاد است بنده همین جهت ۶ نفر را پیشنهاد کردم و استدعا میکنم نمایندگان محترم توجه مخصوص در باب گیلان بفرمایند که ظلم نشود .

و آقا شایخ غلامحسین پشتهای شده است بکمیسیون رجوع می شود - ملایر و تویسرکان و نهاوند دو نفر .

رئیس - مخالفی هست حاج مصدق الممالک - بنده بنده در عده نمایندگان آن جا عرضی ندارم ولی راجع بانتهای جمعی عرض میکنم که خیلی مضرت از آن انتخاب دو درجه است و بطوریکه پیشنهاد کرده ام برای ملایر یک نفر و برای تویسرکان و نهاوند هم یک نفر معین شود که آن دو محل حوزه بندیش علیحده باشند مرکز ملایر در خود دولت آباد باشد و نهاوند و تویسرکان را در خود نهاوند ولی مرکز انتخابیه همه در دولت آباد باشد

حاج سید ابراهیم - عرض کنم باید در این نظامنامه تمام نظرات را جمع کرد در این نظامنامه نظر دولت باین بود که طوری کرد که عده کمتر باشد و زود انتخاب شوند و در شهرهایی که سرعت میشود انتخاب کرد و مردمانش بصیرترند زودتر انتخاب شود و از اینطرف هم باید انتخاب جمعی را قسمی ملاحظه کرد که محروم نشوند تصور میکنم حد وسط معین است که معین کرده اند ملایر و نهاوند و تویسرکان دو نفر این نواز آن جهت است که خیلی ها را محروم کرده باشیم و آن نظریکه اسباب سرعت انتخابات هم هست ملاحظه شده است و بالنسبه باید بصیر به حقوق مملکتی باشند که دیگر اسباب معظنی نباشد

دکتر حاج رضاخان - آقای حاج سید ابراهیم در یک جایی که سرعت انتخابات فردی می شود موافقت کردند با انتخاب جمعی که نظر دولت باین بوده است که سهولت انتخاب بعمل بیاید و بجهت همین است که ملایر و تویسرکان و نهاوند را یک حوزه قرار داده اند در صورتیکه انجمن نظارت که تشکیل شد مردم که بخواهند رای بدهند از برای آن ها خیلی مشکل تر خواهد بود که دو نفر بنویسند تا یک نفر بنویسند و البته وقتیکه یک نفر شد هم زودتر وکیل صحیح انتخاب خواهند کرد هم زودتر فرستاده خواهد شد پس بهر طریقی که ملاحظه کنند این ترتیب بهتر است و این ترتیب را اگر اختیار میکردند هر چه در سایرین میشد در اینجا هم میشد

رئیس - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر) اصلاح حاج مصدق الممالک خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم دو نفر نمایندگان ملایر و تویسرکان و نهاوند را تجزیه فرموده یک نفر برای ملایر یک نفر بجهت نهاوند و تویسرکان رای گرفته شود حوزه انتخابیه در هر یک از این سه ولایت مرکز انتخاب در دولت آباد ملایر

رئیس - توضیح بندهم حاج مصدق الممالک - توضیحی نیست که کمیسیون برای گیلان معین نموده است و حالا مخبر کمیسیون پنج نفر را قبول کردند کم میدانم همان طوریکه هم بعضی از آقاییان فرمودند و آقاییان میدانند که گیلان واجب بود آبادی است و اگر احصایه صحیحی میدانشیم میدانستیم که جمعیت گیلان کمتر از شصت هزار نفر نیست گذشته از این اهمیت آنجا بواسطه سرحد بودن زیاد است بنده همین جهت ۶ نفر را پیشنهاد کردم و استدعا میکنم نمایندگان محترم توجه مخصوص در باب گیلان بفرمایند که ظلم نشود .

رئیس - توضیحی نیست که کمیسیون برای گیلان معین نموده است و حالا مخبر کمیسیون پنج نفر را قبول کردند کم میدانم همان طوریکه هم بعضی از آقاییان فرمودند و آقاییان میدانند که گیلان واجب بود آبادی است و اگر احصایه صحیحی میدانشیم میدانستیم که جمعیت گیلان کمتر از شصت هزار نفر نیست گذشته از این اهمیت آنجا بواسطه سرحد بودن زیاد است بنده همین جهت ۶ نفر را پیشنهاد کردم و استدعا میکنم نمایندگان محترم توجه مخصوص در باب گیلان بفرمایند که ظلم نشود .

رئیس - عقیده کمیسیون در این باب چیست **ذکاءالملک** - قبول نمیکند. **رئیس** - رای میگیریم در قابل توجه بودن اصلاح آقای حاج مصباحی که آقایان توجه میدهند قیام نمایند (عده قیام نمودند). **رئیس** - قابل توجه نشد. رای میگیریم برای حوزه انتخابیه ملایر و تویسرکان بترتیبی که در رایورت کمیسیون نوشته شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند). **رئیس** - تصویب شد. حوزه همدان خوانده می شود.

همدان و توابع - اسدآباد - دوتفر **ذکاءالملک** - بهتر اینست که اسم توابع هم برده شود همدان - اسدآباد - در جزین - پیشهور سرو رود - حاجی لو - خداوندلو - مهربان لو **آقا میرزا رضای مستوفی** - بنده هم میخواستیم همینرا عرض کنم ولی یک فقره دیگر هم در پیشنهاد بنده هست آثار هم خوبست بنویسند روز بد و عاشقو (پیشنهاد آقا میرزا رضای مستوفی بعبارت نیدل قرائت شد) . بنده پیشنهاد میکنم در همدان اینطور نوشته شود شهر همدان - دروپ - بلوک مهربان - بلوک سررود - بلوک حاجیلو - بلوک عاشقو - خداننده لو محال اسدآباد - حوزه انتخابیه شهر همدان .

ذکاءالملک - همان است که بنده عرض کردم منتهی آندواسم را هم اضافه بفرمائید. **رئیس** - چون مخیر کمیسیون قبول کرده بین رای میگیریم بیک مرتبه دیگر قرائت میشود (مجددا قرائت شد) .

رئیس - صحیح است. **مخیر کمیسیون** - بله همین طور رای گرفته شود. مرکز حوزه انتخابیه - همدان.

لواء الدوله - مرگورا همدان قرار دادن تصوری کنیم حق اسدآباد و توابع قضیبیع شود و بنده تناضا میکنم که برای اسدآباد و توابع یک نفر و برای همدان و سایر جاهها هم یک نفر نوشته شود.

رئیس - رای میگیریم برای حوزه انتخابیه همدان بترتیبی که آقای مستوفی پیشنهاد کردند و آقای مخیر قبول کردند آقایانیکه بهمین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - تصویب شد حوزه یزد خوانده میشود ولی برای یزد آقای مخیر یک ترتیب دیگری از طرف کمیسیون پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (باین مضمون قرائت شد یزد چهار نفر یزد حومه اردکان کراب - رستاق - اشک زر - میبد - ندهوش - مهریز - هرات - مروست - بافق - بهاباد - شهر بابک تفت - پیشکوه - بستکوه - میانکوه سه نفر .

رئیس - آقای ناصرالاسلام مخالفید **ناصرالاسلام** - بهمان دلیلی که در حوزه کرمان عرض کردم مخالفم اگر اجازه بفرمائید که عرض بکنم .

لواء الدوله - سابق هم عرض کردم که نظرات اگر در همه بالسویه باشد مخالف ندارم ولی ببینم که در بعضی جاها پیشنهاد یا توضیح میشود نتیجه میشود و بعکس در بعضی جا های دیگر که توضیح داده

میشود یا پیشنهادی میکنند گفتند میشود در صورتیکه آن نماینده که خودش را با شرح میدانم بر میخیزد و میگوید که در فلانجا فلانقدر باید نماینده داشته باشد صلاح در این میدانم و الا بنده که نمیتوانم از هر جا انتخاب بشوم برای یزد در نظامنامه سابق دوتفر نماینده معین شده بود حالا چند نفر شده است در صورتیکه در شوراول هم هیچکس پیشنهاد نکرد و حالا اینکه می دهات را شرح میدهند ممکن است بند هم آنقدر ده شرح بدهم تا اینکه آقایان تصور بکنند که اینها جمعیت دارد و الا اینها که شهر نیست فقط یزد شهر است پس شهر و توابع باید دو نفر وکیل داشته باشد و کافی نیست و بنده بیشتر از سه نفر هم همراه نیستم .

محمد هاشم میرزا - اینطوریکه آقای لواء الدوله و بعضی از آقایان نمایندگان فرمودند اینطور نیست ده یازده ماه است که کمیسیون انتخابات هفتاد یک روز معتقد بوده و مشغول است و بی جهت نبوده است که اینطور تقسیم کرده اند اما اینکه میفرمایند در نظامنامه سابق نماینده یزد دو نفر بوده دوتفر نبوده و سه نفر بوده و اینکه حالا چهار نفر شده خوب است ملاحظه بفرمائید که شهر بابک را سابق جزه یزد بوده است جزه کرمان قرار داده بودند و بهمین ملاحظه بیزد سه نفر داده شده بود و بعد آمدند توضیحات دادند و شهر بابک هم جزه یزد شد اینها یک نفر افزوده اند و اینها را ملاحظه بفرمائید ده نیست اردکان - قندا - انارک - میبد - مهریز - شهر بابک و نائین و غیره اینها بلکه بعضیها پیش شهر است بعضیها پیش قصبه است بعضیها بلوک است **آقاسیدحسین اردبیلی** - اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که شهر بابک جزو کرمان بوده است و بعد جزه یزد محسوب شده است گمان میکنم بعد از آنکه هشت نفر برای حوزه انتخابیه کرمان قابل توجه شد لابد میبایست در آنجا قدری بسط داد و گمان میکنم که در آنصورت بعضی از نقاط که جزه حوزه یزد است ممکن است در اینصورت جزه حوزه انتخابیه کرمان محسوب شود و در این صورت حوزه انتخابیه یزد کوچکتر میشود این عده برای یزد زیاد خواهد بود .

آقایان - زاء قضم **قلیچخان** - بنده مختصراً عرض میکنم و حمایت محلی هم نیست که بعضی تقبید بکنند عرض میکنم در باب یزد در نظامنامه سابق سه نفر معین شده بود بعد در شور اول در کمیسیون چهار نفر پیشنهاد کردند الانهم رایورت سابق که با ژولاطین طبع شده است در دست آقایان نمایندگان است و علت اینکه چهار نفر شد و بلا تفر زیاد کردند این بود که هم جمعیت آنجا زیاد است و هم انارک جزه آنجا شد و انارک هیچوقت جزه یزد نبود حالا جزه یزد شده است خود انارک چهل هزار جمعیت دارد و آنجاها هم اسم برده شد هیچکدام ده نیست تفت پیشکوه پیشکوه اینها هر کدام چندین پارچه ده و خیلی آبادی دارد همینطور مرو دشت جلی خیلی معتبری است که صاحب بلوک است و جمعیتش خیلی زیاد است و همچنین جا های دیگر را که ملاحظه بفرمائید می بینید که دارای جمعیت خیلی زیادی است مثلاً نائین که از همه اینها شاید خیلی کمتر باشد دارای سی هزار جمعیت است که صورتش

رئیس - مذاکره راجع به ایل بختیاری است. **بهجت** - بختیاری باشد فرق نمیکند آن عرضی را که در پنج ایل دارم در همین بختیاری عرض میکنم بنده میخواستیم بدانم کایل بختیاری چطور

در وزارت مالیه موجود است پس تصور می کنیم که این عده زیاد نباشد (گفتند کافی است) **رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد قسمت دوم (قسمت دوم باین طریق قرائت گردید) نائین - باقران - جمعه - قندا - انارک یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم **رئیس** - آقای آقاسیدحسین اردبیلی پیشنهاد کرده اند که حوزه انتخابیه یزد سه نفر باشد.

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

نمایندگان بعضی از حوزه ها از قبیل اصفهان و جاهای دیگر زیاد کرده ایم تصور میکنم که اگر قدری از این محلها که هم خاک و هم جوهر هستند یک طرف واگذار کنیم آنوقت باید حوزه انتخابیه یزد دوازده نفر را که کوچکتر گرفت یعنی یک قسمت حوزه انتخابیه مثل شهر بابک و انارک و غیره را جزء کرمان قرار داد و بعضی قسمتهای آنجا را هم یک طوری قرار داد که یازد باشد آنوقت بعضی حوزههای آنها کوچکتر خواهد شد و گمان میکنم که همان عده که سابق بود کافی باشد و آن نظریکه نمایندگان دارند که عده نمایندگان کمتر باشد برای اینکه مجلس زودتر افتتاح شود و انتخاب زودتر بعمل بیاید آن نظرم گمان میکنم که همان عده کافی باشد و این تکلیف عده در صورتی است که حوزه های اصفهان و کرمان را بحدی بسط و توسعه ندهند که یک قدری از یزد هم داخل آنجا بشود ولی وقتی که این کار را بکنند باید عده یزد را کمتر قرار بدهند و اگر بهمان حال اولی باقی باشد البته در آن صورت بنده عرضی ندارم .

ذکاءالملک - بفرمائید حوزه انتخابیه اصفهان حوزه انتخابیه اصفهان برای گرفته شده است گذشته است و این آخرین حوزه است و در صورتیکه سایرین را اضافه کردند با آن توضیحاتی که دادند شایسته است که یزد هم چهار نفر باشد از این یک نفر هم که اضافه شود تفاوت نمیکند .

باید انتخاب بکنند با آنکه هیچ ترتیبی برای انتخاب آنها نیست اگر يك ترتیب ساده را هم برای انتخاب آنها در اینجا ذکر میکردند بنده هم قناعت میکردم و اظهاری نمیکردم ولی می بینم که این مسئله را در اینجا بکلی مسکوت عنه گذاشته اند در نظامنامه سابق يك ترتیبی نوشته شده بود حالا اصول مشروطیت موافق بود یا نبود کاری بان ندارم يك ترتیبی برای انتخاب آنها معین شده حالا میگویم بدانم که در این دوره هم همان ترتیب را باید اتخاذ بکنند یا يك ترتیب دیگری ملاتذد سابق تعیین مرکز انتخابات منتخبین درجه اول با وزارت داخله بود حالا آن ترتیب کهنست یعنی انتخابات دو درجه موقوف بختیاری که یک نفر باید انتخاب کند مرکز حوزه اش کجاست و چه شکل باید انتخاب بکنند آیا بختیاری يك مرکز حوزه نیاست داشته باشد بنده اینرا هیچ نمی فهمم چه شکل است این یکی یکی هم اینکه يك نفر برای تمام ایل بختیاری خیلی کم است بجهت اینکه ما نظریه میکنیم باین که بختیاری يك ایلی است اگر فقط همان بختیاری چهار لنگ و هفت لنگ را بگیریم راست است آنوقت میگویم که یک نفر داده شده است کافی است ولی خاک بختیاری ۱۲ منزل طول و هشت منزل عرض دارد بعضی آقایانیکه از خاک بختیاری عبور کرده اند دیده اند که چه قراوه قصباتی در آنجا هست البته آنها هم شریک در انتخابات خواهند بود جنگی است زا بدر است مالا سیر است علی زرات است و از این قبیل اطراف دارد که لازم نیست شرح بدهم و يك ایلی نیست که بیلاق و قلاق بکنند اگر رجوع به نقشه بکنید می بینند که بختیاری مثل يك ولایتی از ولایات ایران محسوب میشود و دارای دهات و قصبات است منتهی مرکز حکومتش چقاخور است و آنجا جمع میشوند و لکن خیلی قراوه و قصبات است که خاک نشین هستند و زیانشان هم بختیاری است و در خاک بختیاری زندگی میکنند بنا بر این نظر گمان میکنم که دوتفر نماینده باشد برای بختیاری بجهت اینکه اگر خاک نشین بختیاری را ملاحظه کنیم می بینم که از دویست هزار جمعیت بختیاری بیشتر خواهد بود و آن ترتیبی هم که عرض کردم نمایند بجهت شکل خواهد بود که چه قسم پیشنهاد کنیم مگر اینکه عرض کنم که این مرکز بختیاری از ایلات نماینده بیاید باید راهی بییش بگیریم که امر انتخاباتشان سهل باشد و بگوئیم بجهت شکل خواهد شد و یا اینکه بگوئیم پس خوب است اقلاً این مرکز بگردد بکمیسیون که يك راهی برای اینکار قرار بدهند که هم معین بشود از برای ایل بختیاری چند نماینده خواهد بود و هم ترتیبش را معین بکنیم یا اینکه بگوئیم این مسئله بماند تا انتخابات مجلس شورای منی بشود و در آن مجلس بعد رای بگیرند که چه قسم ایلات باید انتخاب بکنند و هر طوری که آن مجلس تصویب کرد آنها انتخاب بکنند .

ذکاءالملک - بنده تعجب میکنم که آقای بهجت که خودشان از اعضاء کمیسیون بودند و چرا در این مدت هیچ ترتیبی را پیشنهاد نکردند و منتظر شدند بیاید مجلس و دوباره رجوع بشود بکمیسیون که در آنجا معین بشود که بجهت ترتیب باید انتخابات ایلات را قرار داد در دوماً سابق بجهت ترتیب انتخاب که خودشان از اعضاء کمیسیون بودند و چرا در این مدت هیچ ترتیبی را پیشنهاد نکردند و منتظر شدند بیاید مجلس و دوباره رجوع بشود بکمیسیون که در آنجا معین بشود که بجهت ترتیب باید انتخابات ایلات را قرار داد در دوماً سابق بجهت ترتیب انتخاب

کردند حالا هم همان ترتیب انتخاب میکنند اگر لازم بداند که نوشته شود مرکز انتخابات آنها را دولت تعیین میکند معزایه نیست همانطور که در نظامنامه سابق هم بود .

حاج شیخعلی خراسانی - اینکه آقای بهجت فرمودند ترتیبی که در آنجا نکردند برای انتخابات ایلات این دلیل نمیشود که ما با بهابو ام گا نداریم بختیاری يك نفر وکیل داشته باشد یا بیشتر جهت اینکه آندهه وکیل نباید این بود که بجال ابهام بوده و بنظر وزارت داخله و انکار بوده نظر وزارت داخله هم بسته بنظر حکومت آنجا و اقدام آنها بوده حکومت در محل اقدام کردند و انتخاب شدند و نماینده آنها آمدند و از برای ما تعیین وزارت داخله یا حکام ترتیبی تعیین نکردند و ایل هم حاضر نشد برای انتخابات حالا هم اگر بنا باشد که بدون تعیین و بطور ابهام بگذاریم و مرکز انتخاب را برای آنها معین نکنیم آنوقت ممکن است یک نفر از ایل بختیاری حرکت کند و بیاید بگوید که من وکیل ام بختیاری قرار داد و یکسر کاری برای انتخابات آنها معین بکنیم و الا اگر باز بنظر وزارت داخله باشد گمان میکنم که وکیل از ایلات نباید مثل اینکه این دوره مجلس سه ایل بزرگ ما وکیل نفرستادند و اگر هم باختیار حکام باشد یک نفر بختیاری میآید که من وکیل و نوشته میشود که او وکیل است .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (اظهار شد کافی است) . **شاهسون** - یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) . **ترکمان** - یک نفر .

معزز الملک - عرض ترکمان بنویسند بیوت و کرکلان . **ذکاءالملک** - بنویسند ترکمان بیوت و کرکلان .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) . **قشقائی** - یک نفر . **لواء الدوله** - در شور اول بنده این عرض را کردم که اگر مقصود جمعیت است که جمعیت ایل و بقول آقا میرزا یانس چکی بصر ایل یک نفر میدهند که آنها هم بفرمایند بنده بدانم .

ذکاءالملک - نظر بنده جمعیت نیست نظر باین است که بهر يك از این ایلات منظم يك نماینده بدهند . **رئیس** - ایلات خمس . ایلات خمس - یک نفر .

بهجت - نوشته شود ایلات خمس فارس . **آقا میرزا رضای مستوفی** - بنده میخواستیم همین عرض را بکنم که اشتباه نشود به خمس زنجان چون آنجا هم خیلی ایلات دارد .

ذکاءالملک - چه ضرر دارد بنویسند ایلات خمس فارس . **رئیس** - چند فقره پیشنهاد کرده اند قرائت میشود بترتیب ذیل قرائت شد (۱) از طرف آقای حاج سید ابراهیم (بنده پیشنهاد میکنم که در باب کیفیت

کرانند حالا هم همان ترتیب انتخاب میکنند اگر لازم بداند که نوشته شود مرکز انتخابات آنها را دولت تعیین میکند معزایه نیست همانطور که در نظامنامه سابق هم بود .

حاج شیخعلی خراسانی - اینکه آقای بهجت فرمودند ترتیبی که در آنجا نکردند برای انتخابات ایلات این دلیل نمیشود که ما با بهابو ام گا نداریم بختیاری يك نفر وکیل داشته باشد یا بیشتر جهت اینکه آندهه وکیل نباید این بود که بجال ابهام بوده و بنظر وزارت داخله و انکار بوده نظر وزارت داخله هم بسته بنظر حکومت آنجا و اقدام آنها بوده حکومت در محل اقدام کردند و انتخاب شدند و نماینده آنها آمدند و از برای ما تعیین وزارت داخله یا حکام ترتیبی تعیین نکردند و ایل هم حاضر نشد برای انتخابات حالا هم اگر بنا باشد که بدون تعیین و بطور ابهام بگذاریم و مرکز انتخاب را برای آنها معین نکنیم آنوقت ممکن است یک نفر از ایل بختیاری حرکت کند و بیاید بگوید که من وکیل ام بختیاری قرار داد و یکسر کاری برای انتخابات آنها معین بکنیم و الا اگر باز بنظر وزارت داخله باشد گمان میکنم که وکیل از ایلات نباید مثل اینکه این دوره مجلس سه ایل بزرگ ما وکیل نفرستادند و اگر هم باختیار حکام باشد یک نفر بختیاری میآید که من وکیل و نوشته میشود که او وکیل است .

رئیس - اول رای میگیریم در ارجاع بکمیسیون که حق تقدم دارد . **حاج سید ابراهیم** - عرض کنم چون ایلات حالشان مختلف است بعضی هاشان وقتی که در گرمسیر هستند مجتمع ترند از وقتی که در سردسیر هستند بعضی شان هم حاکی هستند و بعضیها هم به همان جبل رفته انشاء والذیف هستند و اگر انتخابات آنها ترتیب تعرفه و ورقه گرفتن باشد گمان میکنم که فائده نداشته باشد در نظامنامه سابق يك ترتیبی داده بوده معین محل انتخاباتشان وعده منتخبین درجه اول را بنظر وزارت داخله و انکار کرده بوده و اینهم چندان عیبی نداشت ولی حالا اگر بخواهیم بطوری که عرض کردم بترتیب تعرفه قرار بدهیم گمان میکنم که هیچ نتیجه نداشته باشد از بجهت با عقده بنده خوب است که در کمیسیون مذاکره شود که مثل بیشتر قرار داده شود یا اینکه طریق اش مثل طریق خاک های و شهر نشین ها باشد و دیگر این که لازم است عرض کنم که غالب از این ایلات در خاک نشین ها اسم برده نشده است و رای داده شد دیگر هی پیشنهاد کردن و زیاد کردن هیچ نتیجه ندارد .

در وزارت مالیه موجود است پس تصور می کنیم که این عده زیاد نباشد (گفتند کافی است) **رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد قسمت دوم (قسمت دوم باین طریق قرائت گردید) نائین - باقران - جمعه - قندا - انارک یک نفر .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم **رئیس** - آقای آقاسیدحسین اردبیلی پیشنهاد کرده اند که حوزه انتخابیه یزد سه نفر باشد.

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

آقاسیدحسین اردبیلی - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین . **رئیس** - مخالفی نیست ؟ **آقاسیدحسین اردبیلی** - بنده پیشنهاد دارم مرکز حوزه - نائین .

ابراهیم خان و میرزا یانس و آقا میرزا مرضی قلی خان و آقای بهجت که راجع باین که دو نفر برای بختیاری مین شود

ناصر الاسلام - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

ناصر الاسلام - فلسفه نماینده خواستن از ایلات گویا معلوم باشد که از چه راه و چه نظرات اغلب نمایندگان مجلس شورای ملی در مشروطه صغیر جد داشتند و نظرم هست که از وزراه سؤال و استیضاح میکردند پشت سر هم که نماینده ایلات را بمرکز بخواهند خوشبختانه در این دوره ایسل جلیل بختیاری يك نوری موفقیتی پیدا کرد که علاوه از آن نظریکه نمایندگان داشتند فوق آن اقدام کردند یعنی بطوری موفقیت پیدا کردند که تقریباً متوأم بگویم کاکثریت ایل جلیل بختیاری حاضر شد برای دفاع از دشنام آزادی و برای حفظ مملکت و در این موقع که ما نماینده از ایلات را میخواهیم از روی عده مین کنیم خوب است بختیاری ها از آن نقطه نظر در کنیم همین طور که بشهر ها و بلوکات از حیث عده نگاه میکنیم به آن ها نگاه نکنیم و از حیث عده هم آن ها سزاوارند که بآنها دو نفر نماینده داده شود و بواسطه اینکه باصول مشروطیت آگاهند اگر غالب باشند میتوانند بروز همه قسم خدمات بدهند و بعضی چیز ها را بسایر نمایندگان ایلات بهممانند باین نظریشهاد کردم که نمایندگان ایل جلیل بختیاری دو نفر باشد

آقا میرزا ابراهیم خان - همین قدر بطور اختصار عرض میکنم که اگر یک نفر نماینده بختیاری بدهند از دیدار آن نماینده محروم خواهیم بود و بخلاف اگر دو نفر نماینده بدهند از دیدار آن ها مسرور خواهیم شد لهذا این پیشنهاد را تقدیم کردم

آقای زهر آقایی قلیخان - پیشنهاد بنده با این دو پیشنهاد دیگر قدری تفاوت داشت از این جهت استدعا میکنم که به پیشنهاد بنده علیحده رأی گرفته شود برای اینکه بنده در باب نماینده ایلات دو نفر را برای بختیاری قائل نیستم و عقیده ام این است که نماینده بختیاری همان یک نفر باشد ولی بختیاری که يك بلاد پرجمعیتی است از قوم افتاده است و در اینجا اسم برده نشده است که عبارت است از رام هرمز تا برسد بچهارمحال این نقطه را جزء بختیاری نمی خوانند و در جزو عربستان و فارس هیچ جا ذکر نشده است دارای قراء و قصبات و بلوکات زیادی است که جمعیت زیادی دارد و بواسطه اسم بختیاری محروم شده اند عقیده ام اینست که باید يك نفر بایل بختیاری داده شود و يك نفر بآل قراء و قصبات بختیاری که خاك مسمی ببختیاری است

بهجت - بنده پیشنهاد مشتعل بردو فرست بود یکی راجع بود تعیین مرکز و دیگر راجع بدهند هر دو توضیح بنده یا فقط در عده

رئیس - در عده توضیح بنده

بهجت - در باب عده چیزی که لازم است که خاطر نمایندگان را مستحضر بکنم اینست که بختیاری که میگوئیم نباید ایل بختیاری را فقط در

نظر بگیریم باید بختیاری که می گوئیم در نظر بگیریم که چندین بلوک بزرگ هم هست و آن بلوک بزرگ بختیاری چهار سنک است و بختیاری هفت سنک و اما اینکه خواسته باشیم رام هرمز را زیاد نکنیم رام هرمز جزء بند ناصری است و جزء عربستان انتخاب خواهند کرد و نماینده حکومت عربستان هم اینجا هست و قسمت گرمسیری ایلات بختیاری مال امیر است که چهار فرسخ است از خاك بختیاری تا ناصری و دهات و هرات و بلوکات و آبادی زیاد دارد و همان جا خوب است که محل انتخابات بختیاری را قرار بدهند مقصود اینست که ما میتوانیم آن ها را باهم جمع کنیم و انتخاب جمعی بکنیم بجهت اینکه يك اختلاف كلمه بروز خواهد کرد بین آنها یا بجهت دوفتر لازم است و در مال امیر که عرض کردم اگر انتخاب باشد بجهت اینکه انتخابات در زمستان معمول میشود و ایل بختیاری تمام در زمستان مال امیر هستند

میرزا یانس - بعد از آن توضیحاتی که داده شده دیگر چیزی برای بنده باقی نمانده است که عرض کنم در زمان گذشته دیدم که ایل بختیاری آنرا نماینده نفرستاده و گویا بملت همان اشکالی باشد که در انتخابات آن ها است که اسباب اختلاف میشود و از آن طرف هم مجلس خیلی مایل است و می خواهد که در مجلس نماینده ایلات باشد یک نفر هم میسر نمیشود و عده آن ها هم از قرائی که اغلب آقایان میگویند و خود بنده هم دیده ام و تصور کرده ام از آنجا گمان نمی کنم که چیزی ما را مانع کند از اینکه بآنها دوفتر نماینده بدهیم

ذکاء الملک - اینجا بعضی چیزها گفته شد که لازم است یادآوری بکنیم در خصوص رام هرمز که فرمودند جزء عربستان است و اگر بناشود که آن ها را مجری کنیم از عربستان آنوقت تردید پیدا میکنیم که آیا مجلس موافق خواهد بود که برای عربستان یک نفر زیاد شود برای اینکه در این صورت يك حوزه از عربستان تجزیه میشود اینکه باید به بختیاری از باب خدماتی که کرده است یک نفر نماینده زیادتر حق دارد سابقاً هم مذاکره شد و عرض کردم کدر مقام تعیین نماینده از برای حوزه های انتخابیه هیچ نظر بخدمات نداریم والا اگر بنا باشد که نظر بآنها نماینده بدهیم پس همان طور که در آذربایجان نظر بخدماتشان نکردیم و فقط نظر بنده کردیم در اینجا هم نظر بنده بکنیم حالا اگر مملکت آقایان نمایندگان نظرشان بایشان باشد که وضع بختیاری مقتضی است که دو نفر نماینده داشته باشد بنده اصراری ندارم ولی این دلایلی که ذکر شد از برای داشتن دوفتر نماینده بنظر بنده کافی نبود و هیچ ربط هم بخدمات بختیاری ندارد و باید خدمات ایل جلیل بختیاری را قطعاً منظور داشته باشیم که عمل در موافق خودش بروز داد

رئیس - دوفتره باید رای بگیریم یکی در خصوص عده نماینده بختیاری یکی اگر تصویب نشد در باب پیشنهاد آقای آقامیرزا مرضی قلیخان

میرزا الملک - اعطای دارم ماده (۱۴) نظامنامه انتخابات را بخواهند (ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۱۴) ایلات عده موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام يك نماینده مستقیماً بصورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلاتی که اسم آنها برده نشده در عضو هر حوزه که هستند رای خواهند داد

رئیس - منافاتی ندارد برای اینکه تا وقتی که رای در کلیات نماند هر ماده را خواهند تغییر بدهند ممکن است

میرزا الملک - در این صورت عرضی ندارم

رئیس - رای میگیریم در پیشنهاد هائیکه دوفتر برای بختیاری تعیین کرده اند آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند (بعضی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

بهجت - سوء تفاهمی شده است اجازه میفرمائید (رئیس - بفرمائید)

بهجت - چون قانوناً حق دارم اجازه بفرمائید بختیاری چهارلنگ دو قسم است یکی نزدیک خان بروردی واقع است و یکی واقع شده است در خاک بختیاری تا انتهای بندر ناصری

رئیس - این سوء تفاهم نبود - بهجت - اشتباهی شده بود خواستم رفع شود

رئیس - چیزی که در نظامنامه نوشته شده است راجع باشتباه نیست مرکز حوزه انتخابیه را توضیح بدهید

بهجت - اما راجع به مرکز حوزه انتخابیه ایل بختیاری چون مستحضر نیستم از سایر ایلات فقط این را پیشنهاد کردم عرض می شود مال امیر یکی ارتباطی است که اگر ما درست ملاحظه کنیم می بینیم در مرکز خاک بختیاری واقع شده است و اگر ما خواسته باشیم بدن يك مرکز ای انتخابات و کیلومتر بشود مرور کنم است و اما اینکه آقای مخبر فرمودند در شور اول و در کمیسیون مذاکره نکردم چرادر شور اول هم بنده عرض کردم که اگر مرکز برای انتخاباتشان مین نشود انتخابات صورت نمی گیرد این عرض را که حالا عرض کردم همان وقت هم عرض کردم ولی یاد نیست که در این خصوص پیشنهاد بدهم کرده ام یا نه کرده ام و همچنین در کمیسیون هم عرض خود را اظهار کردم چیزی که شنیده ام همین بود مثل سابق عمل خواهد شد و بنده متقاعد شدم این بود کدر اینجا پیشنهادی کردم و پیشنهاد بنده را لایحه آقایان خواهند دید و اگر هم مثل سابق باید باشد مخبر کمیسیون می تواند اصلاحی بکنند که نوشته شود مثل سابق والا باید هر يك نقطه را مین بکنند که مرکز انتخابات باشد اگر مرکزی را هم برای انتخابات مین بکنند بنده اصراری ندارم ولی نظر باطلاعاتی که بنده دارم چون مال امیر در مرکز خاک آن ها واقع شده است و نظر باینکه انتخابات در زمستان واقع خواهد شد و مال امیر هم در گرمسیر واقع شده است و تمام ایل بختیاری زمستان در آن اطراف هستند انتخابات جمعی خواهد شد باین واسطه بنده پیشنهاد کرده ام که مرکز انتخابات آن ها در مال امیر باشد

ذکاء الملک - اینکه تصور میکنم که چون انتخابات در زمستان واقع خواهد شد دلیل نمی شود که ما مرکز انتخابات را آنجا قرار بدهیم شاید نظامنامه انتخابات را بخواهند (ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد)

نمود و شاید این قانون انتخابات را که ما اینجا وضع میکنیم بکفایت مدیدی باقی بماند و بعد ما این نظر در انتخابات تغییر بکنند پس باین واسطه بنده بوقیه خود بهتر می دانم که ما اینجا مرکز انتخابات ایلات را تعیین نکنیم و اگر بازم لازم میدانیم که بنویسید که بجهت حکومت و وزارت داخله باز آن يك چیزی است که البته وزارت داخله ملاحظاتی لازمه را در هر موقع خواهد کرد و هر جا را کماشایسته است مین میکند

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای - بهجت که پیشنهاد کرده اند مرکز انتخابات بختیاری ها در مال امیر باشد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح لواءالدوله (اصلاح آقای لواءالدوله مجدداً قرائت شد)

لواءالدوله - اگر چه در حوزه بندی بروردی و خرم آباد پیشکوه و بیش کوه ذکر شده و بآنها هم حد ضمن حق انتخاب داده اند ولی باسم امنیت بآنها حق انتخاب نماند

ماده اندوهناک از طرف در ماده ۱۶ مینویسد که ایلات عده و مین است که لرستان خینی شده است و يك دلیل دیگر دارد که يك اهمیت سیاسی هم دارد که به پیشکوه و بیشکوه یک نفر نماینده بدهند خیلی خوب است

ذکاء الملک - خودشان فرمودند که پیشکوه و بیشکوه جزو حوزه بروردی و خرم آباد ذکر شده علاوه بر این بنده تصور میکنم پیشکوه و بیشکوه نتواند یک نفر نماینده بفرستد اینجا

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای لواءالدوله آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقایان حاج آقا وحاج عزالمالک خوانده میشود (به ترتیب ذیل خوانده شد)

(۱) از رف آقای حاج آقا - بنده پیشنهاد میکنم که محل انتخابات ایلات را بنظر حکام و ضوابط و وزیر داخله واگذار کنند

(۲) از طرف آقای حاج عزالمالک - بنده پیشنهاد میکنم مرکز حوزه انتخابات ثلاث بنظر و تعیین وزارت داخله نوشته شود

حاج آقا - بنده بعد از آنکه آن پیشنهاد ارجاع بکمیسیون شد و خیلی متعجب شدم که ترتیب انتخاب ایلات به چه قسم خواهد شد چون خودم متعجب دارم از اینکه این پیشنهاد را کردم من باب مجبوری و باید خاطر آقایان مسبوق باشد که سعی ما در باب انتخاب در ایلات برای این است که یک نفر وکیل از ایلات انتخاب شود و سعی کنیم که وکیل از طرف خود ایلات در مجلس حاضر باشد و از طرف ایلات کسی انتخاب شده باشد که مربوط به ایل و در واقع از خود ایل باشد که اگر از او سئوالی داشته باشد بصیر باحوال آن ایل باشد اگر بنا باشد که هیچ ترتیبی برای او قرار ندهیم فقط بنویسیم یک نفر آنوقت چنانچه تجربه بمانشان داد یک نفر وکیل انتخابی در مجلس داریم که فقط مدافع از ایلاتی هست و همیشه مانع ادارات دولت میشود و همیشه مواظبت میکند با ادارات دولت و بنده زحمات او را خیلی زیادتر از منفعتش میدانم بواسطه آنکه آن

نظری را که ما در باب وکیل داریم بدست نخواهد آمد و يك پیشکاری بجهت يك ایلاتی در مجلس شورای ملی که بزرگترین مقدم دولت است درست کرده ایم پس لایحه هشتم که باین مضامین عرض کنم که باید مدافعه بوزارت داخله یا حکومت در باب تعیین محل و ترتیب انتخاب بدهیم که تمام از طرف انتخاباتی - که يك نفر را با چندین مهر مین بکنند و بفرستند - مجلس شورای ملی از این جهت این پیشنهاد را کردم و نقطه نظر خود را عرض کردم که آقایان متوجه باشند حالا میخواهند رای بدهند میخواهند ندهند

حاج عزالمالک - بنده تعجب میکنم که آقای حاج آقا میفرمائید ترتیب انتخاب بنظر وزارت داخله است ترتیب انتخاب همان است دوام در این قانون مین کرده ایم هیچ فرقی ندارد بختیاری یا غیر بختیاری و قتیکه نماینده میخواهیم انتخاب بکنیم نظری نداریم که ایلات هستند یا غیر ایلات وقتی گفتیم بختیاری مثل اینست که گفته ایم عراق دیگر محتاج چیزی که باید آنطور حاضر شوند و انتخاب بکنند و رای بدهند ندارد و در اینجا چیزی که هست تعیین مرکز است که باید مثل سایر نقاط تعیین شود و این راهم بنویسند به تعیین وزارت داخله خواهد بود و بعد از آنکه بنظر وزارت داخله واگذار کردیم در هر موقع مرکز آنها تعیین شد سایر ترتیبات انتخاب آنها مثل سایر افراد است و فرقی بین ایلات و سایر جاها نیست

رئیس - در این دوفتره پیشنهاد چه میگویند

ذکاء الملک - تعیین وزارت داخله را در مرکز حوزه قبول دارم نوشته شود

رئیس - پیشنهاد آقای حاج آقا قبول دارید ؟

ذکاء الملک - خیر

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای - حاج آقا آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد گمان میکنم پس از آنکه دو نفر نماینده برای بختیاری تصویب شد دیگر باین پیشنهاد آقای میرزا مرضی قلیخان نمیتوانیم رای بگیریم

آقا میرزا مرضی قلیخان - بنده یک نفر زیادتر برای ایل تصویب نمیکنم یک نفر برای خاک و شهر بختیاری و چون تفاوت دارد رای بگیریم و نوشته بشود در پیشنهاد بنده که بخاک بختیاری دوفتر حق داده میشود (پیشنهاد ایشان با اصلاح مزبور مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقا در این چه میگویند

ذکاء الملک - رام هرمز در جزو عربستان نوشته شد

رئیس - رای میگیریم در این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلبی قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد (ایلات مجدداً بااصلاحی که شد قرائت میشود (به ترتیب ذیل قرائت شد) ایلات پنج نفر - بختیاری یک نفر - شاهسون یک نفر - ترکمان - یموت کرگلان - یک نفر قفقازی یک نفر - ایلات ششمه فارس یک نفر - مرکز حوزه انتخابیه به تعیین وزارت داخله

رئیس - رای میگیریم باین ترتیب که خواهد شد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - ملل متنوعه - ملل متنوعه - پنج نفر

ارامنه - ۲ نفر - زردشتی - ۱ نفر - کبکی - یک نفر - کلدانی یک نفر

رئیس - در قسمت اول که ارامنه را دو نفر نوشته اند مخالفی هست ؟

حاج شیخعلی - بنه ملل متنوعه پنج نفر و حال آنکه اگر ملل متنوعه را ملاحظه کنید در مملکت ما سه ملت است که عبارت از مسیحی و زردشتی و کبکی میباشد کلدانی يك شعبه است از مسیحی و ربطی بعمل ندارد در ملت اسلام هم شعب مختلفه هست و ملت مسیحی را آنچه بنده تحقیق کرده ام و معلوم شده است از هشتاد و پنج الی نود هزار بیشتر نیستند که شصت هزار آنها ارامنه هستند بیست و پنج سی هزار یا بیشتر یا کمتر آنها کلدانی هستند اگر مقصود ملت است که باید نماینده داد باید بکلدانی و ارامنه يك نفر وکیل داد در حالتی که عده آنها بعد هزار نفر است و ما در اینجا هیچ ملاحظه هم از بابت عده در ایشان نکرده ایم بواسطه اینکه در عده ما از صدهزار هم بیشتر باشد یعنی صد و ده هزار یک نفر نماینده داده شد بولایات اگر رجوع کنند بعوزده بندی ها تصدیق خواهند کرد که صد و ده هزار صد و بیست هزار يك نفر داده شده و در حقوق سیاسی و مملکتی همه مساویند و هیچ دلایلی پیدا نکردم بنده که باید بملت مسیحی سه نفر وکیل داده شود بواسطه اینکه عده آنها بده هزار نفر است چه جای اینکه بیست و ده هزار برسد فقط حرفیکه خواهد شد این خواهد بود که ما رأی میدهم هر قدر شده صحیح است شاید مسیحی آنوقت استفاده بیشتر میکنند از حقوقشان اما آنوقت ملت کبکی و زردشتی حقوق آنها پایمال خواهند شد و آنها نمیتوانند استفاده از حقوق خودشان بکنند و ما ابتدا نظر بنده آنها نکردیم برای اینکه حقوق آنها در امور سیاسی محفوظ باشد بهر یک از ملل متنوعه حتی یک نفر وکیل دادیم اعم از اینکه بعد هزار یا صد یا نرسند حالا اگر ملت مسیحی بخواهند تمسک باین بشود چون بملت زردشتی ۲۰ هزار نفرند یک نفر داده میشود با دو نفر داده شود این دلیل منطقی نیست چون اصل مطلب را ملاحظه کردیم این بود که بهر صد هزار و صد و ده هزار نفر يك نماینده داده شود ولی چون حقوق بعضی از آنها پایمال میشد اگر نظر بنده میشدستیم لهذا بهر کدام از ملل يك نظر داده شد حالا من میدانم چطور بموش يك نفر سه نفر تصویب کرد و حال آن که کلدانی و مسیحی همه شان بعد هزار نفر نرسند و يك ملت هم هستند

ذکاء الملک - در شور اول هم مذاکره شده که اگر نماینده که مینویسیم بدهیم و شریعت يك حقوق میدهم همینطور است که میفرمائید آنوقت باید به تمام ملت مسیحی که از هر طایفه باشند یک نفر بدهیم ولی اینطور نیست کلدانیها غیر از مسیحی هستند یکتوم دیگری هستند که غیر از ارامنه میباشد و اما در خصوص ارامنه که دو نفر داده شده نمایندگان

الیه سابقه‌اش را مسوقه و مذاکراتیکه شده است
مصنعدیگر بنده لازم به تکرار نیدانم همینقدر
مرض میکنم کلدانی وارمنی بهیچوجه باهم مخالفت
ندارند و بهیچوجه نمیشود این دو صایه را شریک کرد
و ممکن نیست بایکدیگر مشارکت نمایند

آقای میرزا یانس

در شور اول در این
ماده آقای حاج شیخعلی هین فرمایش را کردند و
جواب هم شنیده امروز که دفعه ثانی است دین
تائوی جدیدی نیاوردند که بنده جواب بهم آروز
مرض کردم حالا هم مرض میکنم که ارامنه بهیچوجه
من الوجوه نمیخواهند یک ملت مجزائی بشوند
آنها میخواهند در حقوق و وظایف ملکیتی باتمام
اهالی این مملکت همزنک شوند آیا آن ها انتخاب
شوند یا نتوانند مثل انتخاب بزد و خراسان و غیره
در این خصوص هم پیشنهاد کرده‌ام در وقت خواندن
توضیح خواهم داد ولی حالا بعضی جواب ها باید
به آقای شیخعلی بهمیم قبل از اینکه از اینجا
(کرسی نطق) بروم و آن این است که فرمودند
اگر ما همه حق میبیم که پالسویه بیاندانتخاب کنند
آنوقت بعضی از ملل که مقصودشان ارامنه بودیش
از حق خودشان استفاده خواهند کرد و بعضی دیگر
که مقصودشان زردشتی و کلیبی بود از حق خودشان
استفاده نخواهند کرد بنده نیدانم حق را چه گمان
کرده‌اند حق در انتخاب همان انتخاب کردن است
نه انتخاب شدن هر کس که لایق است انتخاب میشود
امم از اینکه ارمی یا زردشتی یا کلیبی باشد اگر
بنجنفر ارمی یا زردشتی یا کلیبی برود ورقه انتخاب
خودش را بیندازد و هر کس رادش میخواند بنویسد
بیندازد از حق خودش را استفاده نکرده است دیگر
لازم نیست که نماینده او بیاید شاید ممکن است تمام
ارامنه یک نفر مسلمان را انتخاب کنند و ارمی انتخاب
نشود اینرا نشود گفت ارامنه از حق خودشان استفاده
نکرده اند ممکن است که هیچ ارمی وارد مجلس
شورای ملی نشود و همینقدر که شرکت در رای کرد
و ورقه رای خودش را داد بحق خودش رسیده است
انتخاب نشد نشد استفاده کردن از حق مخصوصاً
میخواهم به آقا حاج شیخعلی عرض کنم انتخاب کردن
است نه انتخاب شدن در صورتیکه هر کس از زردشتی
ارمنی کلیبی بیرون انتخاب کنند او استفاده از حق
خودش کرده است اعم از اینکه انتخاب شود یا
نشود یک مطلب دیگری فرمودند که خودشان تحقیق
کرده‌اند عده ارامنه و کلدانی بعد هزار نفر
بنده خواهم دارم که فرمایند از چه راه تحقیق
کرده اند و دانسته اند ایشان که نیدانم در محله
خودشان چند نفر نفوس هست چطور عده ارمی و
کلدانی را معین کرده اند در دفاتر دولتی که هیچ
حسابی و کتابی نیست که عده آنها را معین بکنند
بنده که خودم ارمی هستم از همین عده ارمی شک
دارم آقای حاج شیخعلی چطور فهمیده که عده
اینقدر است .

معین الرعیای

بنده شخصاً معتقد به اینست
شوشخانه افراد اهالی آذربایجان مخصوص تبریز که هیچ فرق
بین افراد شمالی یا جنوبی هر که را برادر و هر دو
را متساوی الحقوق میدانند الا اینکه مجلس شورای
ملی برای پیشرفت اساس مشروطیت و حکومت ملی
بعضی معاهد و بعضی دست ها و ایالات را باید اهمیت

مخصوص بدهد منجمله ملت نجیب است بنده هیچ -
وقت خدمات مالی و حاتی آنها را در راه مشروطیت
فراموش نمیکنم و بنده این دو نفر و کبیل را برای
ارامنه زیاد نیدانم و بعضی توضیحات آقای میرزا
یانس دادند که دیگر بنده عرض نمیکنم .

رئیس

گویا مذاکرات در این باب کافی
باشد (گفتند کافی است) - فقره دیگر - زردشتی
یک نفر .

رئیس

مخالفی نیست ؟ (مخالفی نبود فقره
دیگر - کلیبی یک نفر .
رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) فقره
دیگر کلدانی یک نفر - جمعاً پنج نفر .
رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد)
پیشنهادها قرائت میشود (پیشنهاد از طرف حاج
شیخ علی) .

بنده پیشنهاد میکنم

که بلبل متنوعه چهار نفر
و کبیل داده شود - ارامنه یک نفر - کلدانی یک نفر
کلیبی یک نفر - زردشتی یک نفر - از طرف معد
بروجردی - بنده در ملل متنوعه پیشنهاد میکنم
سه نفر برای آنها معین شود - ارمی یک نفر زردشتی
یک نفر - کلیبی یک نفر - از طرف لواء الدوله بنده
پیشنهاد میکنم که از طایفه کلدانی با ارامنه یک نفر
و کبیل انتخاب شود (از طرف حاج سید ابراهیم)
بنده پیشنهاد میکنم که ملل متنوعه اینقسم معین شود
ارامنه و کلدانی دو نفر - زردشتی یک نفر - کلیبی
یک نفر - (از طرف بهجت) - بنده پیشنهاد میکنم که
مرکز انتخابات ملل متنوعه پایتخت باشد (از طرف
آقا سید حسن مدرس) - بنده پیشنهاد میکنم ارامنه
با کلدانی یک نفر (از طرف آقا میرزا یانس) بنده
پیشنهاد میکنم که ملل متنوعه از سایر اهالی مملکت
در موقع انتخابات مجزئی نشوند با سایرین حق انتخاب
کردن و انتخاب شدن را داشته باشند .

رئیس

پیشنهاد آقا میرزا یانس حق تقدم
دارد باید اول در این رای بگیریم بهجت اینکه
اگر قبول شد محتاج سایر پیشنهادها نخواهیم بود
آقا میرزا یانس توضیحی دارید بفرمایید .

آقا میرزا یانس

در هر مملکتی در روی
زمین ملل مختلفه از هر عقیده و هر مذهب هست از
سابق هم همینطور بوده است که از حیث نژاد و از
حیث مذهب مختلف بوده اند این مسئله بهجت
سیاسیون تاریخی و سیاسیون حالی همیشه اسباب خیال
شده است که ما چکار بکنیم که تمام اهالی مملکت ما
یک رنگ باشند که باینواسعه قوه ما زیاد بشود برای
اینستکه بدشمن غالب شویم بهجت اینکه معلوم است
هر مملکتی بی دشمن نیست ولی نظر بعالم سیاسی
عقل حکم میکند برای حفظ مملکت در داخله مملکت
هر یکی باشد که بهجت دفاع از دشمن خارجی قوتش
زیاد باشد و همه بیک عقیده باشند برای اینستکه
سیاسیون تاریخی فکر کرده اند چه بکنند که تمام
اهالی یک رنگ باشند برای اینستکه چندین انتخابات
بزرگتر کرده اند که بلکه یک فالی پیدا شود که
تمام اهالی در آن برونند این قالب یک وقتی مذهب
بود چنانچه یک وقتی اهالی فرانسه در مملکت
خودشان گفتند مملکت فرانسه هر کس غیر از کاتولیک
باشد باید همه را کشت چقدر خون ریزی ها شد
مقصود این بود که همه یک رنگ باشند این مسئله پیش

از اهان است و با نظریاتی که در پیش بوده است اینطور
مقتضی دانسته اند حالا تجدیل ایشان از طرف ملت
ارامنه معین هستند که آنها اگر شریک شوند با
مردم دیگر از سکنه ایران و اگر اینطور پیش آمد
که آنها یک نماینده مخصوصی نداشته باشند و اتفاقاً
ترتیب انتخاب اینطور پیش آمده که از خود ارامنه
و کلیبی انتخاب نشد با ملامت اگر مسلمان نماینده آنها
باشد خرجی نداشته باشند شاید هم خواهند یک وقتی
مسلمان را نمایندند خودشان قرار بدهند بوجوب این
قانون هیچ مانعی نیست همچنین زردشتی ها و کلیبی ها
نماز از کجا که در مورد سایر ملل متنوعه اینطور
باشد از کجا معلوم شد که اگر حقیقتاً کلیبی ها یک
نمایند از خودشان نداشته باشند همان توجهی که
مجلس شورای ملی و مشروطیت حالیه دارند همان
توجه را باز خواهند داشت پس بطور اجمال بنده
این مسائل سیاسی را کنار میگذارم و همینقدر عرض
میکنم که با حال حالیه و عقاید حالیه همان مقصود
ایشان که آنرا تمام سکنه این مملکت باشد اینطور
حاصل میشود که از هر کدام از ملل متنوعه یک نفر
نمایند در مجلس باشد .

رئیس

رای میگیریم بقابل توجه بودن
پیشنهاد آقای میرزا یانس آقایانیکه قابل توجه میدانند
قیام نمایند (ممدودی قیام نمودند)

رئیس

قابل توجه شد راجع به نمایندگان
ارامنه چند فقره پیشنهاد شده است که کلدانی و ارامنه
یک نفر باشند یک پیشنهادی از طرف آقای حاج سید
ابراهیم شده است که ارامنه و کلدانی دو نفر یک پیشنهاد
هم از طرف آقای حاج شیخعلی شده است مسیحیها
دو نفر آقای حاج شیخعلی راجع به پیشنهاد خودتان
توضیحی دارید بفرمایید .

حاج شیخعلی

چون مدرک انتخابات
خدمات نیست بنفطه معین و غیر معین هم نیست بنده
نفوس است همان نظرات سیاسی که آقای ذکاء الملک
فرمودند که تفکیک شده است انتخابات ملل متنوعه
باز باید یک قدری رعایت عده بشود و اگر از خود
میرزا یانس تحقیق بکنیم و وجداناً بیسیم که ملت
مسیحی سیصد هزار نفر است خواهند فرمود خیر اگر
بیرسم دویت هزار نفر است باز خواهند فرمود
خیر حالا صحت هزار یا هشتاد هزار میشود این را
هم خودشان درست تحقیق نکردند و اگر بخواهیم
نظر بخدمات آنها بکنیم پیش از اینها حق خواهند
داشت آنوقت باید بختیاری هم باید سه نفر بهمیم اما
نظر انتخابات نظری است که باید مساوی باشد
همان مورد که نسبت به سایرین ملحوظ شده است
لهذا پیشنهاد کردم چون بتابین میان ارامنه و
کلدانی پیدا شده است بآنها یک نفر بکلدانی هم یک
نفر داده شود .

ذکاء الملک

فرمایشات آقا میرزا یانس
را انده تصدیق میکنم از این حیث که باید تمام اهالی
این مملکت باهم اتحاد کامل داشته باشند اما گمان
میکم که سیاسیون و امجلس شورای سابق و کسانیکه
قانون انتخابات را نوشتند و کسانیکه قانون حالیه
را مینویسند همین نظر نمایند مخصوص دارند برای
ملل متنوعه یعنی امروزه حال دفاعی و عقلی و اخلاقی
اهل این مملکت را بطوری ملاحظه کردند از برای
اینستکه کاملاً هم موافق و متحد باشند مقتضی دیدند
که هر یک از ملل نمایندند بخصوص داشته
باشند و شاید هم یک وقتی مقتضی باشد بآن طریق
که آقا میرزا یانس فرمودند رفتار شود ولی امروز
با آن سوابیکه در پیش بوده است با خیالاتی که در

رئیس

آقای آقا محمد شایه توضیح بدهید
آقا محمد بروجردی - هیئت دولت
در مجلس و در حوزه انتخابات که نظر داشت
یکی نظر عددی که تقریباً هر صد هزار نفری یک
نفر معین میکردند و یکی هم نظر فردی است
بملاحظه ایلات و ملل متنوعه دید لایب عده کثیری
می شود این بود که هر کدام را یک نفر معین کرد
حالا این دو نفری که معین شده است

بچه نظر بوده است اگر بنظر عددی است همان
ظریه که حاج شیخعلی و آقا میرزا یانس فرمودند
نیدانم عده چند است بنده هم موافق هستم اما
معه خود را تحقیق نیدانم چند نفر است الا اینکه
در تمام ایالت ایران ما امروز به همین طرز نظر
تخصیصی داشته و شهرت را منظور میگردیم حالا
اگر ده هزار بیست هزار که و زیاد می شده است
مسئله دیگر است ولی اینجا اگر نظر بمن متنوعه
دارند که خیلی خوب است و این خواهم یک مصلحتی
است که یک نفر لازم دارد اینجا زردشتی میخواهد
کلیبی بخواهد اگر اینست که بعد ملاحظه کنند
عدد را نمیشود در ارامنه ملحوظ کرد ولی در
زردشتی ملاحظه نکرد بهجت اینکه عدد زردشتی
و کلیبی کمتر از ارامنی است و فرض کنیم ارامنه
علاوه تر از صد هزار هستند مثلا بیست سی هزار
علاوه تر هستند باز نمیشود که دو نفر و کبیل دادحالا
که عدد راه ندارد و از سایرین همین طور مصلحتی
میکرند این صورتی ندارد که زیاد کنیم و بنده
یک نفر را بیشتر برای ارمی و کلدانی تصویب نمیکنم
سایر مللی هم که هست همین طور هر کدام یک
نفر بنده امتیازی در بین نمیبینم .

رئیس

عقیده کمیسیون چیست ؟

مخیر

نمی توانم بپذیرم .

رئیس

رای میگیریم بپیشنهاد حاج شیخعلی
و آقا محمد که یک نفر برای ارامنه تعیین کرده اند
آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (ممدودی
قیام کردند) .

رئیس

قابل توجه شد آقای مدرس و
لواء الدوله پیشنهاد کرده اند که ارامنه و کلدانی هر
دو نفر یک نفر آقای مدرس توضیح دارید بفرمایید
آقا سید حسن مدرس - اولاً تصدیق
میکم آن فرمایشی را که آقای مخیر فرمودند که
حقیقت سیاسی همین است که در این مجلس مقدس
سه نفر نمایندند از ملل ثلاثه تشریف داشته باشند
این عین اتحاد و یکدلی است و انشاء الله رحمن
همیشه همین ملاحظه خواهد شد اما باقی قاعد را
بهم زدن فلسفه میخواهد و دلیل اگر فرضاً آنها
پنج هزار نفر هم بود همین حق را بآنها میداند
از اول قانون انتخابات الی الآن مضایب تعیینی
شد تعیینی درست در دست نبود لهذا بنده پیشنهاد
کرده ام که این طایفه نصراً را که کلدانی هم
جزء آنها است شاید تعییناً هم نیدانم چقدر هستند
ولی امتهان خودمان که خیر داریم که تقریباً در
جلفا و فریسن شاید جمعیتشان بیست و پنج هزار
سی هزار برسد و لکن اگر عده تمام آنها هم همین
بود باز یک نفر نماینده بآنها میداریم که یک نفر
و کبیل از خودشان معین کنند که با خودشان هم عقیده
باشد که مثل خودمان در تمام امور رفتار بکنند
لهذا بنده پیشنهاد کردم که بهجت ارامنه و کلدانی
نابند جداً و کبیل انتخاب کنند و جدا ذکرشان کنند
چون سابقاً علیحدّه ذکر کردند در میان مسلمانان
هم طوایف مختلف هست طوایف نامملکی یک نفری
است که اختلافش شاید نسبتاً بکلدانی یا مسیحی
بیشتر باشد و ما آنها را جدا نمیکنیم و نباید هم
فرق را تجزیه بکنیم و تجزیه مضر است لهذا

رئیس

رای میگیریم باین پیشنهاد حاج
سید ابراهیم آقایانی که قابل توجه میدانند قیام
نمایند (عده قلبی قیام کردند)
رئیس - قابل توجه شد آقای بهجت توضیح
دارید بفرمایید .
بهجت - در شور اول عرض کردم حالام
متذکر میشوم که باید برای انتخابات ملل متنوعه
یک ترتیبی اتخاذ شود در باب ایلات عرض کردم که
باید بنظر وزارت داخله باشد و معین شد چون بلاق

پیشنهاد کردم که ارامنه و کلدانی هم متساوی بکنند
و کبیل نمانند .
رئیس - آقای لواء الدوله بنده هم در پیشانی
خود این توضیح بدهم .
لواء الدوله - عرض کنم این پیشنهادی از
آقایان است مشروط بر آنرا که گمان میکنم که اگر
ما بخواهیم ملاحظه آنرا بکنیم باید سیصد و بیست
نفر و کبیل مجلس را بدو دست بکنیم بهجت این که
نصفهان مشروطه هستیم و نصفان مسیبه از آن هم فرق
ندارد و این دلیل شد که نژاد مختلف است با اینجهت
بنده تصور نمیکنم که سه آهنازی بیست هزار سی
هزار هم بنظر که فرمودند در جلفای اصفهان و فریسن
بیشتر نباشد سایر جاها هم اینقدر هست پس میان
اینجا نباید گفت تفکیک کرد بین ایلات را یکی-
شان بیست هزار نفر هستند یک نفر میدهند یکی شان
دو دست هزار نفر هستند یک نفر و کبیل میدهند این
است که عقیده بنده این است که هر چه هستند نظر
بنده باشد حقتان یک نفر است نظر طایفه هم باشد
یک نفر است .

رئیس

رای میگیریم به اینکه پیشنهادی که
از هر طایفه یک نفر پیشنهاد کردند آقایانیکه قابل
توجه میدانند قیام نمایند (ممدودی قیام کردند) .

رئیس

قابل توجه نشد آقای حاج سید
ابراهیم پیشنهاد کرده اند که ارامنه و کلدانی باهم
دو نفر باشد توضیح دارید .

حاج سید ابراهیم

نظامنامه انتخابات
بیشتر که مراعات ا ملل متنوعه شده بود چهار نفر
و کبیل داده بودند باین مجاهداتی که از ملل متنوعه
خصوص ارامنه شده است نمیشود از آئیند کاست
اگرچه سایر ملل هم برای مشروعه خدمت کرده اند
خاصه ملت زردشتی که آئین خیلی خدمت کرده
است باین نظر در ملت ارامنه که کلدانی هم جزء
باشد بنده دو نفر را پیشنهاد کرد و بنجنفر را زیاد میدانم
لکن هم اینطور که آقای آقا میرزا یانس فرمودند
که باید چنانچه در حقوق سیاسی و تجارتی ما اهالی و افراد
مشترک الحقوق هستند ملت ارامنه هم باید متساوی
باشد عرض میکنم ما باید قدم اول را برداریم اگر
خوب دیدیم باز اقدام میکنیم یعنی اول طوایف
یکسانت را شروع میکنیم در انتخابات اگر خوب
دیدیم آنوقت بالاتر برویم و اگر خوب ندیدیم
تفکیک میکنیم و این طوریکه بنده پیشنهاد کرده ام
برای مسیحی اعم از کلدانی و ارمی دو نفر و کبیل
بدهند که تقریباً مثل انتخاب جمعی است که بعضی
جاها خواهد شد ممکن است که هر دو از غیر کلدانی
باشد با اشتراك کلدانی و ما ممکن است هر دو از
کلدانی باشد در هر حال باندازه زحمات خودشان همان
طوریکه میخواهند شده است .

رئیس

رای میگیریم باین پیشنهاد حاج
سید ابراهیم آقایانی که قابل توجه میدانند قیام
نمایند (عده قلبی قیام کردند)
رئیس - قابل توجه شد آقای بهجت توضیح
دارید بفرمایید .
بهجت - در شور اول عرض کردم حالام
متذکر میشوم که باید برای انتخابات ملل متنوعه
یک ترتیبی اتخاذ شود در باب ایلات عرض کردم که
باید بنظر وزارت داخله باشد و معین شد چون بلاق

وقتی که میبندد هر طوریکه وزارت داخله صلاح دید انتخابات آنها را بعمل بیاورد ولی این نظر را ممکن نیست در ملل متنوعه تصور بکنیم بجهت اینکه اینها در چند جای مختلف هستند که دارای دعات و قصبات هست البته يك مركزی باید برای آن فرض کرد زردشتی ایرانی یا بنی اسرائیلی ایران این را چه مركزی برایش معین بکنیم لابد باید يك جایی را معین بکنیم و بهتر از همه با طهران است اگر این را ملاحظه نکردیم آنوقت بچه اشکالات بزرگ دچار خواهیم شد آقا باینکه انتخاب ملل متنوعه را ملاحظه کرده اند دیده اند چه گرفتاریها بوده است مثلا در همدان اعلان انتخابات داده میشود برای بنی اسرائیلی در طهران هم اعلان میدهند در اصفهان هم همین طور باید یکجائی جمع شوند این است که بنده عرض میکنم يك جائی جمع شوند برای اتخاذ اکثریت رأی بدهند مثلا اگر بخواهید همه اینها جمع شوند در تلنگرافخانه ها که خبر بهمدیگر بدهند می بینیم این يك اشکال فزینی پیدا خواهد کرد و قتی که بنا باشد يك مسئله در تمام مملکت شیوع داشته باشد مرکزش کجا باید باشد بالطبع پایتخت خواهد بود باین واسطه بنده پیشنهاد کردم که مرکز انتخابات ملل متنوعه پایتخت باشد و البته اعلان انتخابات مستقیماً از طرف وزارت داخله خواهد شد و هیئت نظارش هم از طرف وزارت داخله خواهد بود لازم نیست عرض کنم فقط مرکز انتخابات طهران خواهد شد و آنوقت بولیایات جزء هم اعلان داده خواهد شد زودتر فراهم میشود و اگر غیر از این بکنیم باز دچار مغممه خواهیم شد .

ذکاء الملک - در خصوص زردشتیها و ارامنه و کلیبیها این مطلب را میتوان قبول نکرد ولی در کلدانیها نشود بجهت اینکه کلدانیها در يك جاویک حوزه معینی هستند و هیچ مناسبت ندارد که بگوئیم از آنجا رأی خودشان را بفرستند بظهران و سالی لاقبل مال کلدانیها را جدا کنیم و ما بقی راد پایتخت قرار بدهیم ولی کلیه با اعتقاد بنده این راهم بوزارت داخله واگذار کنیم بهتر است .

رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای بهجت آقا باینی که قایل توجه میدانند قیام نمایند (ممدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله (پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مرکز حوزه انتخاب ملل متنوعه بنظر وزارت داخله باشد .

مخبر - این صحیح است و قبول میکنم .
رئیس - دیگر رأی نمیگیریم چون قبول کردند حالا مصلحه قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد)
 ارامنه (۲) نفر زردشتی (یک نفر) کلیبی (یک نفر) کلدانی (یک نفر)

رئیس - آقا باینکه تصویب می کنند پنج نفر از ملل متنوعه را قیام نمایند (جمعی قیام کردند)

رئیس تصویب نشد .
ذکاء الملک این باید رجوع شود بکمیسیون

رئیس - بله بر میگردد بکمیسیون آقای حاج عز الملک شوالی از معاون وزارت داشتید
حاج عز الملک - سابق اینجا بنده از وزارت معارف در خصوص معدن نفت عربستان سؤال کردم و همیشه وعده میدادند که ترتیباتی اقدام خواهند فرمود که منافع دولت ایران محفوظ باشد بجهت آنکه هنوز مدتی است بنده قائده از این اظهارات ندیدم حالا عجلتاً از آقای معاون سؤال میکنم اقداماتی که در این خصوص فرموده اند بفرمایند مسبق شویم .

معاون وزارت معارف - اینکه بفرمائید مکرر سؤال شده است جوابهایی هم داده شده است که راجع به مسئله بوده است ولی راجع باینکه منافع دولت محفوظ باشد البته منافع دولت محفوظ است بجهت اینکه راپورت هائی که میرسد در هر هفته هر ماه ترتیبات آنجا تقییری پیدا نکرده است و با آن شرایطی که برای آنها معین شده است هم مخالفتی پیدا نکرده است و راپورت هائی هم رسیده است بوکلای عربستان تحقیق کرده ام صحیح نداده است بلکه آنجا چون مردم درست ملتفت ترتیب عمل تجارت و کثرت نبودند عین آنکارهائی را که کمیانی باید بکنند که جزو شرایط اوست آنها را مردم آنجا کارهای غریب و عجیبی تصور میکنند مثلا عمارتی که او باید بسازد یا به منظور بعضی ترتیباتی که برای کارهای کمیانی است اینها را چیزی عیبی و یک اساس تازه تصور میکنند بعد که تحقیق کردیم هیچ مخالفتی با اساس کار نداشته است بعد از اینکه بسیار در این مسئله مذاکره کردیم بان کمیسویی کدر آنجا هست نوشتیم که رئیس آن کمیسیون خودش بیاید در جاهائیکه کمیانی بنامی کرده است ملاحظه کند و ترتیب کلی آنجا را برای ما راپورت بدهد و گویا حرکت کرده است با حرکت میکند که برود آن ترتیبات را به بند و رسیدگی کند و اخیراً راپورت هائی که رسیده است خیلی کارها م پیشرفت کرده است در آن ازاضی تقریباً کارشان باتمام رسیده است و کار لوله کشی و غیر ذلکشان هم قریب باتمام است تا چند ماده دیگر اصلاح داخل کاروائی خواهند شد رو بهم رفته کار بکه اسباب بدی شود از او تصور کردنی نیست و الا اگر چیزی بود ب عرض میرسانیم .

حاج عز الملک - بنده چون سؤال کرده بودم و خواستم بیشتر از این داخل در جزئیات شوم هم بقدر خاطر آقای معاون رامتوجه میکنم که تمام بوهده و هیئت بوده است و هیچ اقدام نکرده اند مثلا کمیسیون اگر گفته است نظراتشان پیش برود و منافع دولت را محفوظ خواهند داشت تمام راجع باین بوده است و هیچ کاری که راجع بمنافع دولت باشد از او صادر نشده است و از لندن هم حرکت نکرده است بنده و سایر نمایندگان عربستان چیزی با اضافه نکرده ایم حالا باین ترتیبیکه بفرمائید منظر خواهیم بود که آیا با آن مواهید عمل می شود یا خیر .

رئیس - دستور بیجشنه ۲۵ قانون انتخابات راپورت کمیسیون بودجه فواید عامه راجع بجزیره هرمز ایضاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بجزیره حوادم متول يك فقره راهم فراموش کردم راپورت

کمیسیون بودجه راجع بترجم نظام .
لواء الدوله - در خصوص سیف مجاهد که سیف المجاهدین است در جلسه گذشته بابت تکلیف ماند مستدعی آنکه جزء دستور بفرمائید این سید خیالی بیچاره و مستحق است .

حاج شیخ الرئیس - بنده هم میخواستم استدعا کنم که راپورت کمیسیون بودجه راجع بسیف - المجاهدین جزء دستور شود .

رئیس - پنج شش فقره است که بلا تکلیف است تمام را بیکمرتبه جزء دستور میکنم

ادیب التجار - بنده مدتی است راجع باوراق مضرة تقاضا نمودم بامضای ۴۰ نفر هیچ چیزی از آنها نرسید و آن دو ماده قانونی هم که بامضای ۴۲ نفر رسیده است جزء دستور شود روز شنبه وعده فرمودند نشد .

رئیس - این قسم مطالب اول باید برود کمیسیون مبتکرات بعد بکمیسیون مربوطه بخودش بعد جزء دستور میشود قبل از اینکه بکمیسیون برود

فرزانه - بنده تقاضا میکنم که لایحه مالییه در باب اموال منقوله دولت جزء دستور شود و تقاضای فوریت هم میکنم

رئیس - اینرا باید وزیر حاضر باشند و تقاضای فوریت کنند .

آقا شیخ غلامحسین - بنده این قرار داد جزیره هرمز را که جزء دستور کرده اند نمیدانم آیا این بنظر خزانه دار کل رسیده است یا خیر چون موافق آن قرار داد و آن ترتیب که هست اینطور امورات باید بنظر خزانه دار کل برسد میخواستم بدانم که اگر بنظر خزانه دار نیامده اند بنظر هیئت دولت با وزیر فواید عامه برسانند تا اینکه اسباب زحمت نشود .

رئیس - اینهم در موقعی است که مطرح میشود و وزراء حاضر هستند باید اظهار شود .

آقا میرزا احمد - عرض بنده راجع بدستور نیست راجع باین است که مکرر در اینجا از هیئت رئیسه تقاضا شده است آن اسنادیکه بدست آمده و در نظریه هیئت دولت جمع شده آنها را بیاورند که ملاحظه شود بجهت بدی کهها بوده اند که اسباب شده اند برای این فتنه و فساد نمیدانم که از هیئت رئیسه اقدام نشده است یا آنکه هیئت دولت تاسامح کرده اند بنده استدعا میکنم تا تاکید کنند بوزراء که بیاورند و الا نسبت بحق خودم استیضاح خواهم کرد .

رئیس - د این مسئله آرزوی که رأی داده شد در روز بعد بهیئت دولت نوشته شد ملت تاخیرش این بود که آقای ادیب التجار گفته بودند دست نگاه بدارید من میخواهم کمیسیون تحقیق در اینباب تشکیل شود بنده گفتم که نوشتیم بعد گفت که من متصرف شدم حالا باز نوشته ایم گویا در خیال جمع آوری هستند بفرستند باز هم یاد آوری میشود

ناصر الاسلام - راجع بان خطاری که فرمودند چون مطابق قانون حق داشتیم در آخر مجلس عرض کنیم این است که عرض میکنم و آن خطا قانونی نبود و متوجه بنده نبود زیرا بنده برخلاف مقررات نظم مجلس اظهاری نکردم آن چیزی که راجع بقمیه خودم بود در حوزه بندی کرمان عرض کردم تا منده معین نشود در این حوزه

بندها نمیشود رای داد

رئیس - اولاً حق نداریه دلیل اخطار را برسد زیرا در هیچ جای نظامنامه نوشته نشده است. ثانیاً يك قرار دادی که از اول دادیم که از آن روز رفتار کنیم چون شما اصرار داشتید از آن رویه برگردیم و باز گفتن از آن رویه خودش موجباً اختلال مجلس میشد این بود که اخطار کردم و حالا چون اطاعت کردید آن اخطار را در حق شما ابقاء نمی کنم.

(مجلس یکساعت و نیم از شب ختم شد)

جلسه ۱۳۰۹

صورت مشروح جلسه یوم پنجشنبه

بیست و پنجم شهر شوال ۳۲۹

نایب رئیس - (آقای میرزا مرتضی قلیخان) سه ساعت و چهل و پنج دقیقه قبل از غروب بکرسی ریاست جلوس نمود پس از يك ربع جلسه رسماً تشکیل یافت.

(آقا میرزا رضاخان نائینی صورت جلسه یوم قبل را قرائت کردند اسامی غائبین جلسه قبل در ضمن صورت مجلس ترتیب ذیل قرائت شد)

غائبین بدون اجازه . دهخدا . آقا سید محمد باقر ادیب - آقا یابانیکه از وقت مقرر تغلف نمودند شاهزاده سلیمان میرزا . دکتر اسمعیل خان هرباک یکساعت و بیست و پنج دقیقه . ناصر الاسلام ۴۵ دقیقه . طباطبائی يك ساعت متین السلطنه ۳۵ دقیقه

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟

بهجت - اصلاحی که بنده پیشنهاد کرده بودم راجع بود بر مرکز بختیاری یعنی در واقع راجع بدو فقره بود یکی راجع بود بنده که دو نفر بود و یکی هم راجع بر مرکز انتخابات بود و دیگر آنکه همه مثل متنوعه اصلاحی پیشنهاد کردم در مرکز انتخاباتشان و قابل توجه نشد و اینجا قید نشده است .

نایب رئیس - اصلاح میشود .

لواء اولوله - بنده در خصوص پیشنهاد ایل یشتکوه عرض این بود که باسم ایل یشتکوه نوشته شود یعنی بکتابنامه بایل یشتکوه داده شود والا میدانم بشت کوه نماینده دارد مقصود عده من بتوان اهمیت بود دیگر آنکه بنده از آقایان تند نویسا امتنان دارم ولی طوری نباشد که بهانه

بدست روزنامه مجلس بیفتد که نوشته است بنده گفته ام از چهار مجال تاخوانسار نیم فرسخ است بنده گفتم از فرین تاخوانسار نیم فرسخ یسه ربع فرسخ است

مدرس - پیشنهاد آقای میرزا یانس این بود که ارامنه شرکت کنند در انتخابات با مسلمین و این طوری نوشته شده است که برخلافش فهمیده میشود.

نایب رئیس - موافق پیشنهاد اصلاح میشود موادی که از قانون انتخاب رجوع شده بود بکمیسیون بعضی از آن مواد برگشته است از کمیسیون قرائت میشود (بمعبارت ذیل قرائت شد)

کمیسیون انتخابات درموادیکه بنده پیشنهاد های چند از طرف آقایان نمایندگان ارجاع بکمیسیون شده بود در چندین جلسه مذاکرات بعمل آورده

نتیجه را از قرار ذیل باطلاع مجلس شورای ملی میرساند در ماده سوم از طرف شاهزاده سلیمان میرزا پیشنهاد شده بود که شرط علاقه و عایبی از شرایط انتخاب کنندگان حذف شود کمیسیون با اکثریت این پیشنهاد را قبول کرده در ماده سوم فقط بهمان سه شرط اول اکتفا میکنند.

ماده سوم - انتخاب کنندگان باید دارای شرایط ذیل باشند - اول تبعه ایران باشند - ۲- لااقل بیست سال داشته باشند ۳ در حوزة انتخابیه متوطن یا لااقل ۶ ماه قبل از موقع انتخاب در آنجا ساکن باشند .

نایب رئیس - مخالفی هست ؟

حاج آقا - در راپورت سابق چیزی که بود و حالا افع کرده اند فقط شرط چهارم بود که دارای ۱۵۰ تومان علاقه منگی یا سی و شش تومان عایدی سالیانه یعنی کومن مالیات بنده باشد و تمام این شرایطی شده بود بطوری ترتیب بود یعنی یکی از اینها را دارا باشند نه تمام را باینطور که اگر کسی دارای ۳۶ تومان عایدی سالیانه نبود حق انتخاب نداشت بموجب راپورت سابق و هیچکس از کسانی که دارای کسب باشف باشند در ایران خواه در شهر خواه در يك قصبه یا در يك دهی باشند نیست که دارای ۳۶ تومان عایدی سالیانه نباشد مگر کسیکه دارای کسب باشرفی نباشد یا موقوفه دیگری باشد و در این يك مصلحت فوق العاده بود و در آن جلسه هم گفتگو شد که اگر بنا شود ماحق بدیم بکسانی که تابع معاش دیگران هستند و معاش آنها و امور زندگانی آنها را دیگری متکفل است آنوقت بدیهی است که این آدمی که نه دارای صدو پنجاه تومان علاقه است نه دارا سی و شش تومان عایدی است بکلی رأیش تابع رأی آنکسی است که امر معاش او با او است و بالظنیهه رأیش هم تابع رأی معاش دهنده او است آنوقت ما جلو این مضرت را چطور بگیریم با این ملاحظاتی که آنروز هم عرض کردم و مختصر که سونوهم عقیده کمیسیون را گفتند و مذاقه کردند بنده نمیدانم که چه شده است که اینرا قبول نکرده اند و عرض کردم این سبب میشود که ما حق انتخاب بدیم بکسانی که بالظنیهه رأی نمیتوانند بدهند و نفوذ شخصیرا داخل انتخاب کرده ایم

بهجت - حاصل اظهاراتیکه آقای حاج آقا در مخالفت الغناء این سه قید فرمودند یکی از این دو مسئله میشود که در انتخاب شرکت میکنند اشخاصی که یا دارای کسب بشرفانه هستند و یا اینکه تحت نفوذ دیگری هستند اولاً این را عرض میکنم که معاش و کسب بشرف یقیناً عایدی بیش از سی و شش تومان سالیانه دارد دیگر آنکه اشخاصی که معاششان از کسب بشرف است در نظامنامه بعد خواهید دید که اشخاص بشرف خارج شده اند و مجرم شده اند از انتخابات و اما در خصوص نفوذ اشخاص نفوذ اشخاص هرگز از انتخابات برداشته نخواهد شد و این آرزوها نیست که درگاه سیاسیون عالم مانده است و این نفوذ اشخاص در تمام ممالک متمنه هم هست حتی نفوذ علمی هم هست بنا بر این لازم است خاطر آقایان را مسبوق کنم که شرایط دو قسم است یکی

شرایطی است که در معنی محقق موضوع است یعنی در معنی شخص را با رأی میکند یعنی شرط قابلیت است و یکی هم شرایط تکمیل است حالا آنشرایطی که ملاحظه فرموده اند در راپورت کمیسیون قبضه شده است شرایطی است که باید دارا باشد برای رأی دادن که تبعیت ایران و بیوغ باشد آنها را بنده ملاحظه فرمودند و اما آنچه شرایط تکمیل است خوبت بگذاریم برای منتخب بعد از اینکه معنوی شد که منتخب شخص صالحی باشد رأی دهندگان هر کسی میخواهند باشند بگذارند اینطور باشد بجهت اینکه هر چه توسعه انتخاب بیشتر باشد اهالی مملکت بیشتر علاقه پیدا خواهند کرد بآن اساس حاضر بهمین جهت کمیسیون رأی داد در الغای این شرط و آنشرایطی که هست کافی است شرایط محقق و موضوع است و آنشرایط تکمیل است و این هم که این شرایط محقق و موضوع را ملاحظه کنند وظایف هیئت نظار است که در موقع تعرفه دادن اشخاصیکه لایق هستند و معایبی در ایشان نمیکند که محقق است با آنها تعرفه بدهند و الا این شرایط تکمیل را باید فقط برای منتخبین قرارداد .

نایب رئیس

کمال میکنم مذاکره در این مواد خیلی شده است و مذاکره کافی شد و رجوع شد بکمیسیون و کمیسیون این راپورت را پیشنهاد کرده است حالا رأی میگیریم برای راپورت کمیسیون آقایانیکه موافقت با راپورت کمیسیون یعنی موافقت با حذف آن مواد رأی بدهند و آقایانیکه الغاء آن مواد لازم میدانند رأی نمیدهند حالا آقایانیکه موافقت با راپورت کمیسیون قیام نمایند (در این موقع بعضی اظهار داشتند که مذاکرات بقدر کفایت نشد) .

نایب رئیس

پس رأی میگیریم در کفایت و عدم کفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

نایب رئیس

معلوم شد که مذاکرات کافی است حالا رأی میگیریم در راپورت کمیسیون آقایانی که موافقت با حذف آنشرایط و راپورت کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

نایب رئیس

با اکثریت راپورت کمیسیون تصویب شد فقره ثانیه راپورت خوانده میشود (بمعبارت ذیل قرائت شد) .

در ماده چهار از فقره هفتم چند فقره پیشنهاد شده بود راجع بمجرمیت مرتکبین قتل و سرقت و غیره ما و یک شرط از طرف آقای ارباب کیخسرو راجع بمقصرین سیاسی پیشنهاد شده بود که الحاق شود بالاخره کمیسیون ماده مزبور را از فقره هشتم الی آخر بصورت ذیل تصویب نمود .

- ۸- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینیکه - واجب حدود قانونی اسلامی شده اند .
- ۹ - مقصرین سیاسی که بیضد حکومت و استقلال مملکت اقدام کرده اند
- ۱۰ - اهل نظام بری و بحری باستانی صاحب منصبان افخاری .
- ۱۱ - مستخدمین امنیه و نظمه بدرمجل خدمت